

کارگران جهان متحد شوید!

۱۱۳

پیکار

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۱۵ تیر ۱۳۶۰ بهاء ۲۰ ریل

در صفحات دیگر این شماره:

- حمله پاسداران مزدور به خانواده های زندانیان سیاسی اوین صفحه ۱۷
- شاه میگفت: "ما ۳۳ میلیون ساواکی داریم!"
- رجایی میگوید: "ما ۳۶ میلیون حزب اللهی داریم!" صفحه ۱۷
- چین: دعوی رویونیستهای مرتد و ادامه مبارزه طبقاتی صفحه ۱۵
- اندام انقلابی کجونی مزدور بدست یک پاسدار! صفحه ۱۹

نامه سازمان پیکار

در راه آزادی طبقه کارگر به

سازمان آزادی بخش فلسطین

صفحه ۷

عدم استتبال مردم از انتخابات

مشت محکمی بر دهان ارتجاع

صفحه ۵

دروغ بر کارگران قهرمان شهر صنعتی قزوین!

— در دگرگونی ۳ ساعته پاسداران ارتجاع و فلا نژهای حزب اللهی با هزاران کارگر شهر صنعتی چندین پاسدار خلع سلاح و زخمی و کشته شدند!

— پاسداران ارتجاع بیرحمانه به کارگران قهرمان تیراندازی کردند و دهانتان از آنان را به شهادت رسانده و بازخمی نمودند!

— دهانتان از کارگران دستگیر شدند!

بقیه در صفحه ۲

تیرباران زن کمونیست

باردار (۸ ماهه)!

نمونه ای از "عدل"

جمهوری اسلامی! صفحه ۵

انقلاب

حادثه انفجار بمب و تانکهای آتارشیستی

انفجار بمب در مقر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، حزب حاکم بر قدرت، مهمترین رویدادی بود که در هفته گذشته بوقوع پیوست. رویدادی که در نوع خود بسیار بقیه بود و تلاطم شدیدی در صحنه سیاسی جامعه پدید آورد. در این حادثه، برخی از رهبران منفور و درجه اول و نیز درجه دوم رژیم جمهوری اسلامی، کشته شدند که در رأس آن، بهشتی مرتجع، یکی از مغزهای متفکر و چهره های هدایت گر رژیم حاکم قرار داشت. درست بهمین دلیل است که رژیم جمهوری اسلامی، بر اثر این ضربه، دچار اینجنین سراسیمگی و گسج نری گشته است! چرا که یکی از مهمترین مغزهای سیاسی خویش را به همراه تنی چند از چهره های منفور دیگر، از دست داده است. از طرف دیگر، این حادثه، بر عنصر از اینک از جانب چه کسی با کسانیکه موجود آمده باشد، که هنوز بر ما معلوم نیست - ضربه سیاسی بزرگی بر پیکر آن بود. درست بهمین دلیل بود که رهبران رژیم سرآسمه کوشیدند تا ابعاد سیاسی و نظامی این حادثه را مذبحخانه کوچک و نا چیز شمرند و تا شیرات سیاسی و روانی ناشی از آن را از میان بردارند. بقیه در صفحه ۲

آسمان سرخ انقلاب ایران ستاره باران است:

تیرباران بیش از ۸۰

کمونیست و مجاهد توسط

رژیم جمهوری اسلامی!

ارتجاع حاکم در برابر سرکشتن موج وارسا رزات خلقهای قهرمان ایران، در کنار سرکوب خونین توده های مبارز و انقلابی، فرزندان آگاه و جنگجوان و رهبران کمونیست و انقلابی را به سرخ انقلاب راه حوجه های اندام می یابد.

تنگ این رمای کمونیست شهید و شهیدان معادها خون سرخ خود، سرگشویی را به سرخ انقلاب می افزایند و با حواس دردن دردلبای سرکشی رحنکشان، مبارزه طبقاتی خلقهای رحنکشان را بر علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و میراثیسم مرتع و توان سستری میبخشند. بقیه در صفحه ۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

جنبش کارگری



اعتصاب کارگران کارخانه چینی سازی رشت!

کارخانه چینی سازی با رس در نزدیکی رشت واقع شده و ۶۰۰ کارگر زن و مرد دارد. کارگران این کارخانه در تاریخ ۲۰ خرداد با خواسته های: پرداخت ۲۰ روز سوده ویزه و اجراء شدن طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب میزنند. کارگران میگفتند تولید کارخانه ماه ۱۲ درصد افزایش نسبت به حد اکثر تولید که سال ۱۱۰۰ تن است، دست به ایستادگی کرده و سوده ویزه پرداخت نمیشود. همچنین کارگران طوماری مبنی بر اخراج دو کارگر که مزدور و کارفرما بودند امضاء کرده و خواستار تحقق خواسته ها بشان میشوند. کارگران این کارخانه می بایست برای یکپارچه شدن صفوف خود شورای واقعی را که حدود یکسال و نیم است در کارخانه وجود ندارد تشکیل داده و به کمک آن متحدانه مبارزه خود را ادامه دهند.

شهادت یک کارگر بدست افراد بسیج

در روز چهارشنبه ۶۰/۲/۲ یکی از کارگران کارخانه گیلان "بنام حسین نعمت زاده" هنگامی که از سرکار به خانه میشت توسط چند نفر از بسیجی ها هدف رگبار قرار گرفته و مصدوم شد. مسیح به خیال اینکه وی "جانی" بوده و قصد پیش نمودن اعلامیه داشته است وی را به رگبار بسته و شهید میزند. این مزدوران پس از آنکه سه میهنمدون فقط قصد عبور داشتند به بیخ گشتی کتاکتار می اندازند و بطوروا نمود میکنند. که وی قصد شایع دزدی! داشته است و جسدش را به شهرهای تخیل میدهند. رژیم جمهوری اسلامی هراسش از روز بروز از کمونیستها و نیروهای انقلابی و کارگزاران آنها بیشتر میشود و این رابطه جناپتشیایی چون نمونه بالا که خود گواه این هراس و وحشت است، مرتکب میشوند.

بقیه از صفحه ۸ قلمه...

عمل نشان داده است، قاطعانه از مبارزه خلق تهران فلسطین تا آزادی کامل فلسطین پشتیبانی خواهد کرد و اینرا وظیفه انترناسیونال است. کمیته خود میداند، برقرار است و وحدت رزمنده بین خلق ایران و فلسطین! زنده باد انقلاب مسلحانه زنده باد خلق فلسطین!

مرگ بر امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع محلی! سازمان پیگارد راه آزادی طبقه کارگر ۱۰ تیر ۶۰ (اول ژوئیه ۱۹۸۱)

اخراج کارگر توسطه ارتجاع، مرگ بر ارتجاع!

در روز یکشنبه ۶۰/۳/۳۱ کارگران کشته توانسته بودند در روز قبل با دستهای پریشان خود انجمن اسلامی را تعطیل نمایند، مجدداً برای جلوگیری از پیشرفت سیاستهای ضد کارگری کمیته های فنی و همچنین جلب کارگران شاغل دست به راهپیمایی زده و در برابر اصلی ساختمان مرکزی را قفل میزنند. کارگران در مسیر خود وارد کارگاه ها شدند و از کارگران دیگر میخواهند که به صفوف آنها بپیوندند. با پیوستن کارگران شاغل جمعیت به ۳۰۰ نفر رسیده بود. کارگران یکصد نفر را میماندند: "اخراج کارگر توسطه ارتجاع، مرگ بر ارتجاع، مرگ بر آمریکا"، "توسطه تمامونی محکوم است، تعاونی شما و نی محکوم است"، "کمیته های فنی منحل باید گردید"، صفوف فشرده و متحد کارگران به پیش میرفت که با سداران مسلح با دووانت و یکدانشجوی به مسلح اقدام به دستگیری کارگران میکنند و برای ایجاد وحشت گشتند اسلحه های خود را کشیده و سوی کارگران نشانه میزنند. با سداران مسلح با کنترل کارگران شروع به دستگیری کارگران میکنند. از قبل توسط حاکمان شناخته شده بودند، میزنند.

هجوم با سداران مسلح موجب پراکنده شدن کارگران در این روز میگردد.

روز دوشنبه روز بیرونیستهای غاشن توده ای و اکثریت با محکوم کردن راهپیمایی تحت عنوان هرج و مرج به حمایت از سداران پرداخته و میگفتند، ما از اول میگفتم که باید به دولت طرح داد و این کارها به عاقلی نخواهیم رسید. خائنین به طبقه کارگر با پیشنهاد کارگران که میگفتند باید برای آزادی نمایندگان دسته - جمعی سرویس گرفتار کرده و آنها را هرج و مرج میخواندند. ما روزه کارگران صنایع فولاد جهت جلوگیری از اخراج همچنان ادامه دارد. گسترده تر با سداران زناکاران قهرمان فولاد! سنگ و نفرت بر روی بیونیستهای غاشن توده ای و اکثریت!

در تاریخ شنبه ۶۰/۳/۳۰ بدنبال دعوت نمایندگان منتخب کارگران، کارگران روسیه اخراج صنایع فولاد از جهت عدم گذاشتن توسطه های انجمن اسلامی و کمیته های فنی و اعتراض به اخراج یکی از نمایندگان مبارز خود و همچنین جلب کارگران شاغلی که از توسطه کمیته های فنی جهت تفرقه اندازی در میان کارگران به کارگاه آمده اند، در سطح مجتمع دست به راهپیمایی زدند. کارگران در طی این راهپیمایی شعار میدادند: "مرگ بر گریه صف ما بپیوند، فردا شویت تویت"، "اخراج نماینده توسطه جدید است"، "اخراج نماینده محکوم است محکوم است"، "انجمن اسلامی این لانه ها سوسی منحل باید گردید"، "کمیته های فنی منحل باید گردید"، "کارگران را به حق مسلم ما ست، دولت است مسئول خواسته ما ست"، اتحاد مبارزه بهیروزی و.....

کارگران حین راهپیمایی در مقابل انجمن اسلامی این لانه ها سوسی توقف کرده و با شعار "این لانه ها سوسی منحل باید گردید" خواهان بسته شدن آن گردیدند. در جلوی لانه ها سوسی نمایندگان دست به افتای این ارگان سرکوب رژیم زده و همچنین حمایت دروغین رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی را از کارگران اخراجی کربوب آلمان افشا نمود. مزدوران انجمن اسلامی با دیدن صف فشرده و متحد کارگران و خشم طبقاتی آنان با به فرا رگذاشتند.

رویز بیونیستهای غاشن توده ای و اکثریتی و در روسته ها انقلابی است، که همانند اربابان از خشم و کینه و مف فشرده کارگران به وحشت افتاده بودند، راهپیمایی کارگران را تحریم کرده و در گوشه ای ایستاده و علیه سازمان بیکار رلجن - برای کسی میسموند. یکی از نمایندگان در افتای این مزدوران خطاب به کارگران گفت: ای گریه فردا کسی با راهپیمایی کارگران مخالفت کرد و آنرا محکوم نمود، بدانید از روسته توده ایها و طبقه خائنین است. کارگران در تاشید حرفهای وی یکصد نفر "مرگ بر توده ای" را دادند.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



قدرت بنی صدر را از حکومت حذف میکند. آری حزب جمهوری دیگر حتی شریک دپروز خود بنی صدر و لیبرالهای دیگر را تحمل نمیکند، نظامی هرات کارگران شهر صنعتی نشان داد که کارگران تازه اندر کنار دیگر صنعتگران تنها جمعبندی حزبها و رژیم جمهوری اسلامی را با فداکاری تمام غنشی نمایند، گرچه هنوز بسیاری از کارگران نسبت به ما هیت لیبرالها و بیوزنه بنی صدر دچار توهم هستند اما آنها که امروزه ما هیت خدمتی و حزب جمهوری اسلامی پی برده اند، دیر نیست که دست رد بر سینه عوام فریبان لیبرال که فریبکارانه ادای آزادیخواهی درمی آورند بزنند. آری کارگرانی که امروز "درویش بنی صدر" میگویند فردا در پرتو آگاهی و تجربه خود درخواهند یافت که هرگز کسانیکه تا به حال شریک امثال بهشتی ها بوده اند دوست آنها نیستند، آنها به این حقیقت پی خواهند برد که امثال بنی صدر که در سرکوب دانشگاه و کردستان دست داشته و شوراها و کسای کارگری را تخطئه میکرد و بعد از حادثه سلاست میگفت "شورای شورا" و... نمیخواهند بسیاری از آنان آزادی و بهروزی بهایرمان آورد، بلکه تنها این اتحاد کارگران و صنعتگران به زیر پرچم نیروهای پیگیر انقلاب - یعنی کمونیستها - و مبارزه با امان وین و قتل آنهاست که جمهوری دمکراتیک خلق، یعنی حکومت کارگران و صنعتگران برهبری طبقه کارگر را برپا خواهد داشت. همه کارگران ما نند کارگران آگاه پی خواهند برد که لیبرالها از همین حرکت کارگری شهر صنعتی قزوین بیش از ارتجاع حزب جمهوری درمراستند چرا که در آنجا ما این حرکت وحشی در خود با پسین حرکت، تعرض کارگران به نظام سرمایه داری را می بینند، نظامی که خواسته و مطلوب آقای بنی صدر است!

کارگران و صنعتگران ایران!
تظاهرات عظیم شهر صنعتی قزوین در سبای فراوانی به ما میدهد که در آن درس مقاومت در برابر رژیم جمهوری اسلامی و عوامل سرکوبگر آن، درس فداکاری، درس اتحاد و یکپارچگی است. همینطور کمبودها و کاستیهای این حرکت یعنی نبود یک رهبری که بتواند چشم انداز این مبارزه را تعیین نماید و... همه و همه آموختنی است. ما بهادر سبای این حرکت را بهایریم و از شما در مبارزات خود بکار گیریم و کاستیها و کمبودهای آنرا رفع نمائیم و بدین ترتیب برای مبارزات هر شکوه تری که در پیش داریم توشه اندوزی نمائیم!

دروید کارگران شهید چا رشنه خونین شهر صنعتی قزوین!
گسترده با دنیا زرات کارگران و صنعتگران علیه نظام جمهوری اسلامی به آزادیهای دمکراتیک! مرگ بر امپریالسم و ارتجاع!
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - ۶۰/۳/۳۰ - قزوین -

کشیده در حالیکه از حال رفته بود توسط دیگر پاسداران مزدور فراری داده میشود!
کارگران به راه پیمانی اعتراضی وسیله آسای خود را مه دادند، درس را آتشان، پاسداران

درد بر کارگران قهرمان شهر صنعتی قزوین!

— درد رگیری ۳ ساعت پاسداران ارتجاع و فلاتهای حزب اللهی با هزاران کارگر شهر صنعتی چندین پاسدار خلع سلاح و زخمی و کشته شدند!
— پاسداران ارتجاع بیرحمانه به کارگران قهرمان تیراندازی کرده و دهها تن از آنان راه شهادت رسانده و باز زخمی نمودند!
— دهها تن دیگر از کارگران دستگیر شدند!
.....

کارگران و صنعتگران!

کارگران قهرمان کارخانجات شهر صنعتی قزوین بعد از ظهر روز چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷ برای حمایت از فریاد سباهداران ارتجاع و در راستای آنها کارخانجاتی جنایتکار (رئیس سباهداران) خام خیالانه قصد داشتند در ساعت ۱ بعد از ظهر با تعطیل کردن کلیه کارخانههای شهر صنعتی، کارگران را به جشن فرمایشی تحت عنوان (نیمه شعبان) بکشاند و در آنجا با صلاح تیراقتان سخنرانی کنند! اما کارگران چه کردند؟ آنها نه فقط این جشن مرتجعین نابکار را تحریم کردند بلکه تمام استفاده از موقعیت استثنائی و اجتماع عظیم خود، با یک راه پیمانی چند کلمه تری علیه حزب جمهوری، مشت محکمی بر پوزه ارتجاع کوبیدند. سیل خروشان چندین هزار کارگر که از جاده اصلی شهر صنعتی بطرف شهر قزوین برای افتخار بودند یکپارچه فریادید و شعار فریاد و شعار علیه حزب، علیه سرکوبگری رژیم جمهوری اسلامی! کارگران گرچه در این شمارها از بنی صدر نیز حمایت میکردند اما در واقع این کارگران جان نلت رسیده، از این نیمه گران و مزد کم، از این نیمه ستم و سبادهگری سیاسی و از این نیمه جنایات و اعمال ارتجاعی رژیم حاکم و پاسداران ارتجاع و... به فریاد آمده بودند!

در اواصل تظاهرات (یعنی حدود ساعت ۱ بعد از ظهر) هنگامیکه کارخانجاتی غافلگیر شده و قصد جلوگیری از این راه پیمانی را داشتند توسط کارگران شدت ادبند: کارگران که پس از قیام تاکنون شاهد اعمال این کمیته جی سابق و رئیس سباهداران کنونی در شهر صنعتی بوده اند، او را دستگیر کرده و کشتان کشتان کتک به جوی لجن انداختند! دقایقی بعد مردی که نزدیک به ۲/۵ سال است خود را بکارتاز و نشل و بند شهر صنعتی میداند چون سوناب

که در یک آمبولانس مخفی شده بودند پس از مواجه شدن با کارگران بسوی آنان آتش گشودند که طی آن چندین کارگر را زخمی کردند، اما کارگران بلافاصله با سنگربندی بدفاع از خود پرداختند و سرانجام آنها را با سنگ فراری داده و حتی چند از آنان را خلع سلاح میکنند و ضمن درگیری برخی از آنها را به سزای اعمال خود رسانده و زخمی میکنند در اینجا کارگران علاوه بر شمارهای قبلی بسیار شمارهای: "کارگران اتحاد، کارگران اتحاد، برادران را کشتند"، "پاسداران تیراقت میکنند، مجلس (و دولت) حمایت میکند"، "مرگ بر پاسدار"، "ما مل سرما به دار"، "براه خود داده میدهند در جلوی کارخانه ها زنج دیما بین چسب پاسدار در دست ما بند زمان شاه، درست مثل کشتار کارگران جهان چیست، کارگران را بهیرما نه به رنگار می بینند... آری با پاسداران، سرما به خوب ما هیت غذا کارگری خود را نشان میدهند... کارگران نخست مقاومت کرده ولی چسبون تیراندازی با پاسداران بیلز و حیثیتهای ادا می داشت پراکنده میشوند، پاسداران مثل شکارچی ها با کینه ای غذا کارگری، کارگران را در سبایانها و گندمزارهای اطراف کارخانه ها زنج و دیگر کارخانه های آن محل دنبال کرده و دوسا عست تمام مفلول و ابرسر آنان گلوله میباریدند و با کتک میزدند و دستگیر میکردند، آنها حتی نگهبانان کارخانه های این محل را که در این جریان شرکتی نداشته اند به کتک و دشنام میگیرند، در طی این جریان دهها تن از کارگران شهید و باز زخمی شده و دهها تن دیگر دستگیر میگردد که به فرا و اطلاع شهیدان شکنجه شده اند.

کارگران! صنعتگران! نیروهای کمونیست!
تظاهرات عظیم کارگران شهر صنعتی زمانی بوقوع می پیوندد که حزب جمهوری اسلامی تمام جدیدی را علیه آزادیهای دمکراتیک و نیروهای انقلابی آغا ز کرده است و برای قیض تمام و کمال

شوراهای قلبی منحل باید گردد! شوراهای واقعی ایجاد باید گردد!

نوطه ای دیگر بر علیه خلق کرد
واقیبت تیراندازی به
تشیع حنازه در مهاباد چه بود؟

[illegible]

آری! توده‌های آگما همین ماردرد و مال حاکمیت حنا بستا زانه و خاست
- با رژیم حاکم جز فرفرو و فلکت بیشتر، ستم و استعمار فزون، جنگ و درما ندگی
و... بدست شما ورده ادوا ز اینرو با عدم شرکت در انتخابات، مخالفت و تفر
خود را از رژیم جمهوری اسلامی نشان میده و تا زه این در شرایطی است که
نما د بستا ههای ششگانه یی، یوسوز وادی و تلو یزون و مهمتر از آن دستگاه
ولایت فقه و "فتوا" در قفسه برده دما ران حزبی رژیم حاکم قرار دارد.

در چنین اوضاع و شرایطی وظیفه شگفتی بردوش ما کمونیستها است که
دا تبلیغ و ترویج دیکراتیسم انقلابی این توده وسیع سرکشته از رژیم-سما
سوی منی و سرنامه انقلابی و در جهت دما ر و ما انقلاب دیکراتیک و دما میریا -
لستی فرا خواهد و صفوف انقلاب را فشرده و شروک کرده و ترمایم.

با تلاتی بدست بردار آگما ه یی توده ها و دما و ما انقلاب بیش!

★ ★ ★

سرمداران رژیم حاکم، غضبناک از خشم و شورش شده‌ها، دیوانه‌وار کمونیست‌ها و معا همدین را به جوجه‌های اعدام مسپارند
برای رژیم جمهوری اسلامی تفاوتی نمی‌گذراند که کسانیکه اعدام می‌شوند دختر ۱۳ ساله است یا زن حامله! تنها مخالفت با جمهوری اسلامی برای اعدام انقلابیون کافی است،
کمونیست مبارز طاهره قاضی مقدم که ۸ ماهه حامله بوده همراه شوهر کمونیستش رفیق علی عالم‌زاده کرمانی (هر دو از گروه کمونیستی نبرد) دست‌دزد خیمان جمهوری اسلامی تیرباران گردیدند.
حاکم مرتجع جمهوری اسلامی کودکی (جنین ۸ ماهه) را در آستانه تولد سحرآمیز شدن بدروم در کمونیست و انقلابی به جوجه اعدام می‌بردند!
این جنا بی‌تبار روی جنایات هیئت‌روموسولینی را نیز سفید کرده است ۱

سازمان بهنگار دیر راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۶۰/۲/۱۳

تیرباران بیش از ۸۰ کمونیست و مجاهد توسط رژیم جمهوری اسلامی

پیته از صفحه ۱

ارتجاع جنایتکار و قبحانه تر از خون آسمان
نا مدارتا ریخ خون میریزد. رژیم کا کما اعدام
نوزادی قبل از تولد در شکم مادر (چنین ۸ ماهه)!
بجرم عقاید کمونیستی بدروما درش با اعدام
دختران ۱۳ ساله (حتی قبل از آنکه هویت آنها
را بدانند) از جنایتکاران تاریخ، از محمد رضا
شاه و از هیتلر... بهیمنی میگردد.
اسما مبارزه طبقاتی، نیروی محرکه تاریخ
است و با سرکوب و اعدامها متوقف نمیشود. به
خاک و خون کشیده شدن کمونیست ها و مجاهدین،
تنها برگزیده طبقاتی زحمتکشان و روهروان راه
رهاش آتشان می افزاید و آتشان را در آدامه
راه سرخ شهیدان انقلاب، استوارتر و پرجا تر
می سازد.
درود و افتخار بر شهیدان به خون غشته خلق!
اعدام بیش از ۸۰ کمونیست و انقلابی در ۱۰
روز، لکنه شنگی ابدی بر دامن رژیم
جمهوری اسلامی!
از خون شهیدان لاله های سرخ میروید!

- ۱- رفیق کمونیست پیکارگر محسن فاضل - تهران
- ۲- رفیق کمونیست پیکارگر علیرضا رحمانی (نشان) - تهران
- ۳- رفیق کمونیست پیکارگر طلعت رضا - تهران
- ۴- رفیق کمونیست پیکارگر قاسم گلشن - تهران
- ۵- رفیق کمونیست پیکارگر سیروس قدس - اهواز
- ۶- رفیق کمونیست پیکارگر حمید نجفی - جالوس
- ۷- یک رفیق کمونیست پیکارگر - جالوس
- ۸- رفیق کمونیست پیکارگر حسین معارف غفاری - اهواز
- ۹- رفیق کمونیست (از گروه نبرد) علی عالم زاده کرمانی - تهران
- ۱۰- رفیق کمونیست (از گروه نبرد) طاهر آقا خانی مقدم - تهران
- ۱۱- رفیق کمونیست (از رزمندگان) محمد عساره - اهواز
- ۱۲- رفیق کمونیست (از کومله) اسماعیل یگانف شیریز - اهواز
- ۱۳- رفیق کمونیست (از کومله) هوشنگ توحیدی شیریز - اهواز
- ۱۴- رفیق کمونیست (از کومله) محمد مجد مظفری - شیریز
- ۱۵- رفیق کمونیست (از کومله) محمد مجد مظفری - شیریز
- ۱۶- رفیق کمونیست (از کومله) فریدون طهماسبی پور - شیریز
- ۱۷- چریک فدائی نوروز قاسمی - شیریز
- ۱۸- رفیق کمونیست فدائی سعید سلطانپور - تهران
- ۱۹- رفیق کمونیست فدائی محمود فرزانه - اصفهان
- ۲۰- رفیق کمونیست فدائی علی رضا آلماسی - اصفهان
- ۲۱- چریک فدائی منوچهر و بیسی - تهران
- ۲۲- چریک فدائی بهمنش آذریان - تهران

- ۲۳- چریک فدائی روح انگیز عباسی راده دهقان - شیریز
- ۲۴- چریک فدائی اسرار آذری - شیریز
- ۲۵- رفیق نامرئی و نرسد - شیریز
- ۲۶- رفیق آذری - شیریز
- ۲۷- رفیق علی حمیدی - جالوس
- ۲۸- رفیق حسن دوستی - جالوس
- ۲۹- رفیق اکبر نرسلان - جالوس
- ۳۰- رفیق احمد رجب نژاد - جالوس
- ۳۱- رفیق رضا تلی دلوز مقدم - جالوس
- ۳۲- دور رفیق - سندر عباس - تهران
- ۳۳- مجاهد شهید جعفر گلانی چی گنجینه - تهران
- ۳۴- مجاهد شهید داود فراها نسی - تهران
- ۳۵- مجاهد شهید رضا حاجی ملک - تهران
- ۳۶- مجاهد شهید علی امیرزها ب چی - تهران
- ۳۷- مجاهد شهید کاظم خراشی (فخا ربان) - تهران
- ۳۸- مجاهد شهید امین ارسطافر - تهران
- ۳۹- مجاهد شهید زهرا ابراهیمیان - تهران
- ۴۰- مجاهد شهید کبریا ابراهیمیان - تهران
- ۴۱- مجاهد شهید غلامعلی جعفری - تهران
- ۴۲- مجاهد شهید سجده مرثوی - تهران
- ۴۳- مجاهد شهید مجتبی آقا میری - اهواز
- ۴۴- مجاهد شهید اسماعیل عنبریان - شیریز
- ۴۵- مجاهد شهید محمود بهیمنی آزاد - شیریز
- ۴۶- مجاهد شهید رقیه موثاب پور - شیریز
- ۴۷- مجاهد شهید حسن نعمرافها نی - اصفهان
- ۴۸- مجاهد شهید حسن خوش قامت - اصفهان
- ۴۹- مجاهد شهید سید اله مرادی - تهران
- ۵۰- مجاهد شهید معصومه فرستند - تهران
- ۵۱- مجاهد شهید غلامدینوی - تهران
- ۵۲- مجاهد شهید استهبان مهد مقدسی - جهرم
- ۵۳- مجاهد شهید یحیی نصر آبادی - مشهد
- ۵۴- مجاهد شهید محمد حکمتی - مشهد
- ۵۵- مجاهد شهید علی محمد سعیدی - آمل
- ۵۶- مجاهد شهید فاطمه عینیسی - آمل
- ۵۷- شهید جلال هاشمی تنگستان - شیریز
- ۵۸- شهید حیدر حیدری - تهران
- ۵۹- شهید احمد چشم براه - تهران
- ۶۰- شهید جعفر قنبر نژاد - تهران
- ۶۱- شهید علی تقی پور - بابل
- ۶۲- شهید حسن احمد سیاب - مشهد
- ۶۳- شهید جلیل کریمی - اهواز
- ۶۴- شهید بهنام بیگدلی - اهواز
- ۶۵- یک شهید - راسر
- ۶۶- یک شهید - کرج
- ۶۷- هشت بهیمنگر کرد (که هویت سازمانی
شان برای ما مشخص نیست) - ورمیه
و بیش از ده شهید قهرمان دیگر

کارگران، زحمتکشان توده های مبارز!
عنوان های روزنامه های جمهوری
اسلامی در مورد اعدامها، سرکوبها و
تبعیت های بی شرمانه نیست
کمونیستها و انقلابیون را با عناوین
مشابه که در زمان رژیم جلاد شاه در ورق
- با ره ها منمکن میشد مقابله کنید!
آنها را به در تبلیغات و نسوع
سرکوب همسویی منافع ارتجاعی دو
رژیم حال و گذشته و همگونی ما هست
ضد خلقی آنها را به بهترین وجهی
نمایان نمائید؟
واقعیت های کوبنده خود بهترین
گواه آدامه راه رژیم شاه توسط رژیم
جمهوری اسلامی است.

۱۱ عامل شهادت در نهب
و سرقت، به زندان
محمود شدند

۳ عامل درگیری با مردم
در اصفهان اعدام شدند

اعدام یک مجاهدین و پیکارگر هجده ساله درگیری
با مأموران و ایجاد اغتشاش در اهواز اعدام شدند

۱۰ مجاهدین در تبریز اعدام شدند

در گریزهای در روزهای ۲۰ و ۲۱ تیر

۳۳ مجاهد و مفسد
اعدام
انقلابی
شدند

نامه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به سازمان آزادیبخش فلسطین

برادران روزمنده!

اعضا، کادرها و رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین!

پس گرفته است .
داشتن روابط با دفترنا بندگی انقلاب فلسطین در تهران برای نیروهای کمونیست و انقلابی ایرانی در واقع منوع است و دفترنا فلسطین تحت مراقبت شدید قرار دارد. دفترنا در تهران، عملاً از هرگونه همکاری و کمک سایر نیروهای کمونیست و انقلابی که با آن قدیم و همیشگی خلق فلسطین بوده و هستند محروم است . رژیم ایران، دفترنا زمان آزادیبخش را خالی از محتوای انقلابی اش میخواد تا فقط آنرا مورد سوء استفاده و وسیله ای برای فریبکاری خود قرار دهد و نه هیچ چیز دیگر! این امر، سوزنده در ایران، که در دوره شاه یکی از کانون های نمائیت صهیونیستها علیه آلمان فلسطین بود، نتایجا موجب خوشحالی صهیونیستها و امپریالیستها است . رژیم در اوائل روی کار آمدن با اعدایا هیچ حمایت از انقلاب فلسطین، مدام زما و دیگر رهبران جنبش مقاومت فلسطین گواهی حسن اخلاق و "تائید و حمایت" دربارت کرد و توده ها را با این عمل مزورانه فریفت . ما در این نامه ، در مقام ارزیابی و نقد موضع گیری سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین در قبالی رژیم ایران نیستیم تا نشان دهیم که سیاست شما تا چه حد به نفع خلقهای ایران و فلسطین بوده یا نبوده است . ما در اینجا با درک همه جا نمدهای که از شرایط انقلاب فلسطین داریم و آنرا طی بیش از ده سال آشنائی نزدیک و زیستن در بگا های آن دربارت یافته ایم، هشدار میدهم که انقلاب فلسطین نیست به رژیمها کمپیر ایران یا بدینا آگاهی بیشتر قدم بردارد و دوستان

شده های انقلابی مجبور بود تا هر آوا بسط دوستانه و حمایتگرانه ای با سازمان آزادیبخش فلسطین برقرار نما بد و در حرف ، از پشتیبانی و یاری خلق فلسطین دم بزنند و دفترنا زمان آزادیبخش فلسطین در تهران را "سفارتخانه" مد ولی بتدریج بر هرکمی که حتی از دور دستی بر آتش داشت آنکا رشده که رژیم جمهوری اسلامی حمایت بی قید و شرط از انقلاب فلسطین را منظور ندارد بلکه هدف آن، این است که با اعدای حمایت از خلق فلسطین برای خود کسب آبرو نما بد . رژیم کمپیر ایران - همانطور که خود نشان اطلاع دار بد - هیچگونه کمک مالی، تسلیحاتی نظامی، تبلیغاتی و سیاسی که در خود زکریا شد، به انقلاب فلسطین ننموده است . رژیم همواره از چشم توده های عاشق آزادی فلسطین این موقع - گیری خود را مخفی داشته است و هرگز امکانا تسلی نظیر فرستنده رادیوئی، بگا ها آموزشی، کمکهای تسلیحاتی و حتی فعالیت آزادانه تبلیغی به نفع انقلاب فلسطین را در اختیار دفترنا زمان آزادیبخش فلسطین قرار نداده است .
اخیراً - بر اساس اطلاع ما - وزارت خارجه ایران به سفارت فلسطین در تهران اطلاع داده است که حق ندا رد خود را "سفارتخانه" مد ، بر سر دولت ایران، سازمان آزادیبخش فلسطین را بعنوان یک دولت که خلق خود را بنا بندگی می کند بر رسمیت نمی شناسد و لذا حقوق دیپلماتیک برای کارکنان این سازمان در تهران، قائل نش نیست ! بدین ترتیب رژیم ایران امتیازی را که تحت فشار توده ها برای دفترنا زمان آزادی بخش فلسطین در تهران قائل شده بود بنیتر نامه

سرنوشت مشترک مبارزه خلقهای ایران و فلسطین در مبارزه علیه دشمن مشترک آنها یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع محلی، خلقهای دو کشور و سوزنده انقلابیون ایرانی و فلسطینی را با آنها ست در یک سنگر قرار داده است . حمایت کارگران و زحمتکشان و نیروهای کمونیست و انقلابی ایرانی از آلمان عادلانه خلق فلسطین امری تازه نیست، انقلابیون ایران با آنها ست که در کنار خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع سوزنده در اردن و لبنان جنگیده اند و با بگا های انقلاب فلسطین وارد و - گاهها و دفاتر انقلاب فلسطین را از بهترین بنگاههای خود بارفته اند .

خلقهای قهرمان ایران با مبارزه عظیم و قیام شکوهمند بهمین توانستند رژیم وابسته به امپریالیسم شاهنشاهی را با ورهیشگی صهیونیستها را از گون کنند و آنرا به زیاده دانی تاریخ ببازند از دولتی برخلاف آن که خلق فلسطین انتظار داشت و نیز برخلاف آن که توده های انقلابی ایران انتظار داشتند، انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران در نیمه راه متوقف ماند و نتوانست به اهداف خود در قبالی کارگران و زحمتکشان و عموم خلقهای ایران و منطقه جامعه عمل بپوشاند، انکسای نا تما مایندن انقلاب را در زمینه های مختلف، از بازاری سیستم سرمایه داری وابسته گرفته تا سرکوب خلقهای قهرمان ایران (در کردستان و ترکمن صحرا و...) کشتار و فساد بر کارگران و نیز کمونیستها و مجاهدین میتوان مشا هده کرد در زمینه غارتگری علیه رژیم تحت فشار

کارت عضویت و معرفی رفیق محسن قاضی

حركة التحرير الوطني الفلسطيني
فتح -
التجاه الما لتواء الما
التا ۱۹۸۰ / ۱ / ۲۴
لین بهام الامیر
تمية الثورة حمدا
تشهد حركة التحرير الوطني الفلسطيني / فتح بان الامیر : محمد باقر
مو اعد عناصرها الما له ولا يزال
و نا : علی الله الما له حذو التجاه
ثورة حق النصر
سالمه لمانیة
۱۹۸۱ / ۳ / ۲۰

ترجمه سند فوق :
جنبش آزادی بخش ملی فلسطین
فتح -
فرمانده کل نیروهای عاصه
تاریخ ۱۹۸۰/۱/۲۴
(۲ بهمن ۱۳۵۸)

معرفی نامه
با درودهای انقلابی :
جنبش آزادیبخش ملی فلسطین - الفتح - گواهی میدهد که برادر محسن قاضی فرزند احمد یکی از اعضای فعال آن می باشد . این معرفی نامه بنا به خواست او صادر شده است .
اعتبار را بن معرفی نامه تا ۱۹۸۱/۳/۳۰
(۱۰ فروردین ۱۳۶۰) می باشد
انقلاب نا پیروزی
مدیر بخش نظامی
محمد المطلق

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

شاید متعجب گنبدولی این واقعیتی است که
شأنگاه ۳۱ خرداد (۲۱ ژوئن ۸۱) یکی از
اعضای قدیمی و فعال سازمان الفتح که چندین
سال در صفوف انقلاب فلسطین در جنوب و شرق
لبنان مبارزه کرده بوده و همکاری های دلبستگی
با کمیته علمی و مرکز برپا نهایی سازمان الفتح
و دفتر سرزمینهای اشغالی، بداشت در ایران اعدام
شد، او رفیق شهیدما حسن فاضل بوده که نام
مستعار «سامی» بین انقلابیون فلسطینی معروف
بود. او یکبار در سال گذشته به لبنان رفت و با
دست آوردهای با ارزشی به ایران برگشت و در
اسفند ۵۹، زمانی که میخواست یکبار دیگر به لبنان
برود و معرفی صورت سازمان آزادیبخش فلسطین
را نیز به همراه داشت، به وسیله ساداران دستگیر

www.peykar.org

اخبار مبارزات توده‌ها



گسترده‌تر باد مبارزات انقلابی توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

در روزهای اخیر غیرموج ترور و سرکوب ده‌ها توده‌های انقلابی ایران به مبارزه خود شدت بیشتری بخشیده‌اند. ارتجاع حاکم میکوشد تا با تشدید سرکوب طبقاتی از رشد انقلاب جلوگیری نماید، اما توده‌های که هر روز ستکری و عشیان بیشتری را با گوشت و پوست خود احساس می‌کنند و با فقر و فلاکت و بیگاری و گران شدن دست بگجهان می‌باشند، خاموش نمی‌نشینند و جنبش توده‌های خلق برای تخریب سرکوبی متوقف نشده و تا پیروزی جمهوری دموکراتیک خلق تحت رهبری طبقه کارگر به پیش خواهد رفت. طبقه کارگر با تمام توان در این مبارزه شرکت خواهد کرد و برای تحقق سوسیالیسم یک لحظه از مبارزه طبقاتی دست نخواهد کشید. به همین لحاظ کمونیست‌ها و طبقه خودمیدانندگان با قدرت تمام در مبارزات کنونی علیه رژیم حاکم شرکت نمایند و این مبارزات را با بر دموکراتیکسم انقلابی استوار سازند.

در شهرهای شمالی توده‌ها میوزمند!

● کومشنگان

روز شنبه ۶۰/۳/۲۳ در شهر تظاراتی برپا می‌شود. با سداران مسزور و با مردم درگیر شده و یک سراهی بدخل جمعیت می‌اندازد که چند نفر زخمی می‌گردند. روز بعد مردم مغازه‌ها را بسته و نیروهای انقلابی دست به آتش‌آگاری وسیع می‌زنند.

● شفت (بین رشت و قوم)

در روز یکشنبه ۶۰/۳/۲۴ با سداران رژیم به ملاقاتی که پنج تن از معلمین پاکسازی شده بودند و در آنجا با مردم درگیر شده و با سداران کار می‌کنند. حمله کرده و این معلمین را پس از ضرب و جرح با چماق بسته به محل سپاه سداران قومن می‌برند.

روز دوشنبه هم‌زمان آنها به سپاه مراجعه کرده و شروع به اعتراض می‌کنند. با سداران مزدور و سرکوبی از مجاهدین اسیر را که حامله بوده و فرزندی نیز در بطن داشت، به شدت کتک زده و دستگیر می‌کنند.

روز سه‌شنبه مردم به حمایت از این زندانیان ابتدا دست به راهپیمایی زده و سپس به محل سپاه می‌روند. تظاراتی برگزار می‌کنند که با دادن شعارهای نظیر "زندانی سیاسی آزاد را بدگرزد"، "مرگ سرارتجاع"، "مرگ سرآمریکا"، "خواستار آزادی"

شدند. مزدوران رژیم از آنها شکایت موفقی به‌سبب دستگیری تظاراتی‌ها کردند. نگارنده بودنده و بولنه‌وار به این سوآن سرکوب کشیده و کینه‌جویانی خود را نسبت به مردم اطراف نشان می‌دادند. گنهایک با قلا فروش را در محل تهدید کرده و یک موتور سوار را گذر را به شدت کتک زدند و در حین انجام این اعمال پلیس خود، از سوی حاجی‌های مفتخور با زاری و تشویق می‌شدند. تظاراتی رفقای هوادار مسود حمایت مردم آگاه که در محل حضور داشتند و با سخنان خود نفرتشان را از رژیم جمهوری اسلامی نشان می‌دادند، قرا گرفت.

● رشت

■ در روز سه‌شنبه ۶۰/۳/۲۶ حدود ۲۰۰ تن از مادرانی که فرزندان ساهدان در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بسر می‌برند، جهت اعتراض به بی‌تکلیفی وضع آنان، به دادگاه "انقلاب" مراجعه می‌کنند. گریه‌های دادستان مرتجع به آنها پرخاش می‌نماید. مادران مبارز نیز زوی را تشویه می‌کنند. در نتیجه ساهدان به کمک گریه‌های آمده و کلیه مادران را دستگیر و زندان می‌نمایند. در حال حاضر همگی آنها در زندان بسر می‌برند.

● لاهیجان

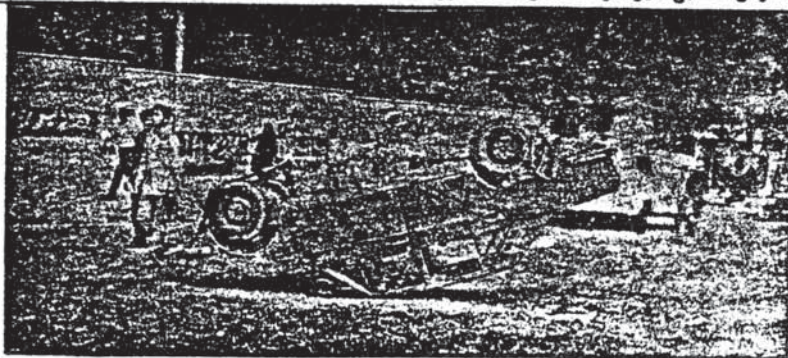
روز پنج‌شنبه ۶۰/۳/۲۸ هنگامی که ساهدان و فالتانهای برکزاری تظاراتی بین ساهدان و انقلابی و مردم از یک سو و مجاهدین و نیروهای انقلابی و مردم از سوی دیگر درگیری روی می‌دهد که یک زن مبارز هدف گلوله ساهدان قرار گرفته و شهید می‌شود. پس از این درگیری، اغتشاش شدیدی در شهر حکمفرما شده و شهر حاکمیت حکومت نظامی به خود می‌گیرد. اغراضه‌ها، متلاطم مشکوک مورد بازرسی بدنی قرار گرفته و ساعت ۹ شب به بعد در محله‌ها خرابان دیده شود. با زندان می‌گردند. تا کنون بیش از ۲۰۰ نفر دستگیر شده‌اند و در زندانهای موقتی که در چند نقطه شهر برپا گردیده، زندانی و شکنجه گردیده‌اند.

با سداران مزدور و فالتانها، به شیشه‌ها و ناواکیها، در شب و از دیوار به درون خانه‌های افراد مبارز و زبسته و آنان را دستگیر می‌سازند.

انقلابیون در دست می‌گردند. مزدوران رژیم به تحریک با قرا، در رئیس آموزش و پرورش، به مردم حمله کرده و سرکوبی از معلمین و یک ساهدیگر را نیز دستگیر می‌نمایند. در ضمن به خانه یکی دیگر از معلمین انقلابی "پاکسازی" شده نیز حمله کرده و شیشه‌های خانه وی را شکستند.

● رشت

راس ساعت ۸ روز دوشنبه ۶۰/۳/۲۵ تظاراتی موضعی کوتاهی از سوی رفقای هوادار سازمان از ابتدای خیابان شریعتی شروع شد. پس از چند دقیقه عده‌ای اوباش جیره‌خوار رژیم با شعار "مرگ بریکا" و "ظفر تهرانی سرا زبسته" و خواهان "مکتبی" نیز با وانت با ربه محل آورده



تهران، ۳۰ خرداد: توده‌های انقلابی، اتومبیل (آرمدا) مزدوران مسلح رژیم را واژگون کرده‌اند!

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم

کشان. رژیم با تیغ موکت‌بری به یکی از تظاهرات کشتگان بنا می‌فرهادستی اردکانی حمله کرده و او را به شدت مجروح می‌کنند. شدت جراحات وارده بعدی بود که این مبارز بعد از چند ساعت در بیمارستان شهادت می‌برد.

● دوشنبه ۲۵ خرداد:

در خیابانهای اشوری، رودکی و سمعی درگیری شدیدی بین نیروهای انقلابی مرکب از هواداران مجاهدین و سازمان بهکاربسا مزدوران. رژیم صورت میگیرد. مردم خمینی به "ستادفرماندهی حزب الله" واقع در خیابان زند حمله کرده و با کتک و مولوتف آن را به آتش می‌کشند. در همین روز از طرف فالانژها یک راهی به میان جمعیت پرتاب میشود که عمل نمیکند. بعد از سرکوب و حشانه، عوامل رژیم در حالیکه با ماشینهای سپاه مگورت می‌روند، شروع به راه پیمایی نموده و هر کس را که در خیابان و پیاده روی دیدند، مجبور به شرکت در راه پیمایی نموده و در صورت مخالفت با چاقو و تیر به جان می‌افتادند. در این میان پس از ۱۶ ساله ای را که کنا رخیان با استفاده و در مقابل اعمال زور فالانژها مقاومت می‌نمود، با قهقهه شدت مجروح می‌نمایند.

شده‌های پرشور تظاهرات کردند، همچنان به راه پیمایی خود ادامه دادند و با صدای گاه گاه از جویا جهت سرکوب تظاهرات آمده بودند، می‌توانند از - های هوایی خود نیز کاری از پیش نبرده و تظاهرات کنندگان با یک حمله برق آما، حمله آنها را خنثی نموده و آنان را فراری داده‌اند.

موج وسیع مبارزات توده‌ای در شیراز

● پنجشنبه ۲۱ خرداد:

حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر مردم در چندین نقطه شهر متحده چهار راه زند و دروازه سمعی اجتماع کرده و بر علیه سردمداران حزب جمهوری اسلامی شعار میدادند. بهراثر پرورش و حشانه او با شان، یکی از مظالمه‌داران بنا می‌زیست تا بشکر که قمع‌فرا از محله درگیری را داشت. با یک شریک و شاد ف کرده و مردم کشته شد. یکی از پاسداران که با حمله قمع‌فرا از ماشین و تیر اندازی بسوی مردم را داشت، دستش به ماشه می‌خورد و بر اثر امانت گلوله به مغزش کشته میشود. بعد از این جریان شکارچیان جمهوری اسلامی با ماشین به خیابانها ریخته و تجمعات زیادی را دستگیر می‌کنند.

در روستاهای اطراف لاهیجان نیز درگیری‌های مردم با مزدوران شدید بوده و مردم از وضعی انقلابی مخالف حزب جمهوری اسلامی و لیبرالهای مرتجع می‌پاشند.

● رودسر

درده "بی سالان" اطراف رودسر در درگیری لفظی بین افراد بسیج و مردم، البته سه تن از افراد بسیج بسبب مردم مارد می‌گردد پس از این خلع سلاح، مزدوران بسیج و پاسداران اقدام به دستگیری توده‌های انقلابی میکنند.

● پره

بدن مال تظاهرات مردم مبارز "پره" که بدعت هواداران سازمان مجاهدین صورت گرفته بود، دو اتوبوس حامل مزدوران رژیم به پره سر آورده میشوند. آنها که توسط او با شان با قرآباد رشت رهبری میشوند، با چاقو به تعدادی از اهالی حمله کرده و آنان را زخمی می‌کنند. توده‌های مبارز نیز با تیر به انقلابی، این مزدوران را وادار به فرار میکنند. جوانان و زعمتکشان انقلابی که از اعمال و حشانه ارگانهای سرکوب رژیم به خشم آمده بودند، با سنگ و چوب شیشه‌های اتوبوس آنان را شکسته و سه تن از او با شان را دستگیر میکنند. پس از آن پاسداران ۳ به دست به شهر هجوم آورده و در دیوارهای شهر را به گلوله می‌بارانند. در این میان ۳ نفر شهید و عده‌ای زخمی می‌گردند که به بیمارستان انزلی انتقال می‌یابند. در این روز یکی از اکثریتیهایی خاکن بنا می‌مید و پروازی با تفنگ ۳۰ در میسان پاسداران دیده شده بود که بطرف مردم شلیک می‌کرد.

● باغ محله خشک بهجار

بدن مال تظاهرات بی دربی مردم زعمتکشان باغ محله خشک بهجار به نشان اعتراض به سرکوبها و خفقان اخیر، پاسداران سر ماه در روز ۶۰/۴/۱ به مردم پرورش می‌برند. در این حمله بنا به تگاران که سرکردگی ورهبری آنها را پسران حاجی رضا می‌سمیده‌ها شدند بدون فراز مردم محله شهید و ۸ تن زخمی میشوند. یکی از شهدا زنی بنا می‌دو و الفقاری بود که پاسداران مزدور با شلیک تیر بصورت وی، بطرف خمینی او را به شدت رساندند و دیگری مردی بنا می‌اکبری است. حال زخمیها نیز وخیم می‌باشد.

● رضوانشهر

در یکی از روزهای هفته آخر خرداد ماه ۷۰۰ تن از توده‌های انقلابی رضوانشهر به دعوت هواداران سازمان مجاهدین خلق دست به یک راه پیمایی زدند. مجاهدین خلق مردم را به دادن شعار "درویشی صدر" دعوت کرده. و از دادن شعارهای انقلابی از جمله آزادی زندانیان سیاسی خودداری نموده و با سختی آنها می‌پذیرفتند. در حالیکه مردم از این شعار استقبال نمودند، جیره‌خواران حزب اللهی، اکثریتیه‌ها و نوادیه‌ها خمکس از حرکت انقلابی توده‌ها، بدست و پا افتاده و خود را برای حمله آماده نمودند. اما



تهران ۲۰ خرداد: سرکوب تظاهرات پرشور مردم توسط پاسداران و او با شان رژیم

● جمعه ۲۲ خرداد:

تظاهرات سر علیه رژیم در اطراف دروازه سعدی صورت می‌گیرد. ماشین سپاه زیر مشت و گداز انقلابیون قرار گرفته و شیشه‌ها پاش می‌کنند. بهر اثر تیر اندازی پاسداران چندین نفر مجروح می‌شوند.

● شنبه ۲۳ خرداد:

در چندین نقطه شهر میان مردم و فالانژها درگیری بوجود می‌آید. تعداد زیادی مجروح میشوند.

● یکشنبه ۲۴ خرداد:

در یکی از درگیریها در خیابان زند، چاقو-

● پنجشنبه ۲۸ خرداد:

تظاهراتی از سوی جوانان انقلابی بر علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و سردمداران آن در مقابل خوابگاه ادبیت برپا شد که به شدت مورد استقبال توده‌های جنگنده قرار گرفت. کلیه خیابانهای اطراف خوابگاه توسط حزب اللهی‌ها بسته شده بودند.

● شنبه ۳۰ خرداد:

پس از تظاهرات هواداران مجاهدین و درگیری میان نیروهای انقلابی و ضد انقلابی "چاقو و تیر" یکی دیگر از مراکز فرماندهی بنیه در صفحه ۱۲



رفیق آنچنان تحت تاثیر مسالوات
تجربا نانه خلقهای ایران بود که در سه سال
۹۴ همراه رفقای دیگر به کردستان رفت تا با
واقعیت رفته رفته ما را روبرو کند و همچنین با درها
و پستهای تاریخی خلق کرد را نزدیک آشنا شود
تا آنها را لمس کند و سپس از با زکشت از کردستان
کوئی رفیق از ما دهه زندگی را سرگردان
سفر در دهه ۱۲

در دبیرستان درسها داشتن کتابخانه
تئاتر و تشکیل محافل مطالعاتی شرکت
جریان مبارزات پر شور بوده ها در
۵۲ رفیق نسیم فعلا لانه شرکت میت
تظاهراتات سرعشیر زمستانه ها شن فعلا
در حد توان خود در پیشبرها ی مبارز
بعد از قها رفیق نسیم تصمیم گرفت
های برابر کننده و غیر تشکلاتی خود را سر
مدود در همین رابطه در تانستان سال
کا را آگاه هکرا نه به کا رخانه تولید را
همان زمان در ارتباط با محفنی که
«انقلابیون آزادی طبقه کارگر» علا
بر گرفت عشق رفیق نسیم به کا
را از عرصه دبیرستان به کا رخانه کشا
رفیق محصل را واکرده و برای انجا
تا ربخی خود که آنرا انامی می خواند
بود به کا ر انقلای خود جمله کا در می
داخت کا گردان تولید را و عشق

گرایش‌ات سیاسی رفیق که از همین سنین آغاز گشته بود، در سن ۱۵ سالگی (سال ۵۵) در رابطه با دستگیری و زندانی گشتن برخی‌سی اطرافیان نزدیکش، شدت بیشتری گرفت و بعد از آن بتدریج در رابطه با یک محفل مبارز قرار گرفت. روضه‌فعال و پیشرو رفیق در امر مبارزه وی را یکدم آرام‌نمیگذاشت. رفیق در فعالیت‌های غلشی دردوران دبیرستان نیز شرکت فعالی داشت و در جریان این فعالیت‌ها، هم‌پرویش دیگران کمک می نمود و هم خودپرویش می یافت.

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

بقیه از صفحه ۱۴
را بر ملا میبازد.

نمونه...

پس از نیمه شب ۳۱ خرداد ماه ۶۰ به ساداری به نام "جستیدمهری" که در جبهه داروغین آسیب دیده بود با همدستی یکی از اعضای انجمن اطلاعاتی بهمان رستان سرخه حصار به نام "مهددوقز" با نقشه قبلی به یک زن شوهر دار به نام (که در ای سسه نرزدن نیز میباید) که در اثر بیماری صرع دچار حمله شدید میگردد در هنگامیکه به طرف بیماری شدید از حالت هوشیاری خارج شده بود و وحشیانه تجاوز کرد پس از بر ملا شدن رسوایی این دومرور مکتبی پاسدار - ان و انجمن اسلامی بدست و با افتادند و چون جریبان در زبید اکرد کوشیدند این تجاوز و وحشیانه رسوای را لووت کنند، پاسدار مزبور در بیمارستان باور داشت می - شود که چهار روز بعد با ضمانت آزاد میشود.

آری، پاسداران سرما به آنقدر نمونه اخلاق! هستند که حتی نیمه شب به طرف غریبی حیوانی شان به یک زن بیمار تجاوز میکنند.

سرمداران رژیم که پنجمین در فساد و غوطه میخورند، شب و روز برای پوشانیدن چهره جنایتکار خویش، عوام فریبانه به کمونیستها و انقلابیون بدترین و کثیف ترین تهمت ها را میزنند این مرتجعین حتی از بدگویی علیه کمونیستهای زندانی و شیربازان شده نیز با شکی ندارند. اما ما کمونیستها اگر مخالف فساد و فحشاء و امتیاد و... هستیم برای از بین بردن اینها به ریشه های اصلی این تبااهی ها مبارزه میکنیم، فساد اخلاق و فحشاء و... از "رمان" های جوان معارضه ای چون جامعه سرما به داری است و ما برای سرکشی چنین نظامی مبارزه میکنیم تا با حاکمیت انقلابی زحمتکشان و بهر هری طبقه کارگر جمعی - سوری دمکراتیک خلق برقرار شده و به جامعه سوسیالیستی که علاوه بر اینکه مستمواست و استوار از بین میبرد، تمام مواظبت های از سرما به داری را نیز چگون فساد برهنه کن میبازد، گذرنا شیم.

آری! تنها در جامعه سوسیالیستی است که ما نابودی سرما به داری فساد و فحشاء نیز ریشه کن میگردند، مبارزه خود را برای پیروزی انقلاب سوسیالیسم شدت بخشید و در این راه با تمام پدیده های مولود سرمایه داری و رژیم حافظ آن به یکا رکتیم!

بقیه از صفحه ۱۰

گسترده تر...

مزدوران رژیم به آتش کشیده میشود، همه از این جریان با ساداران سرما به بالایی ساختنهای میدان شهرداری رفته و به وحشیانه ترین نحوی شروع به تیراندازی بسوی مردم میکنند، در اثر اما بت گلوله مزدوران رژیم ۴۰ نفر شهید شده اند به نقل از: خبرنامه محلی پیکار (۸)

با اندکسی شنید و تلخیصی

سه شنبه ۲ تیر:

"در ساعت ۶/۴۵ عصر روز ۲/۴/۶۰ یک تظاهرات موضعی در دروازه کارون توسط هواداران سازمان پیکار انجام گرفت، تظاهرات با شعار "مرگ پسر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" شروع شد، تظاهراتکنندگان فریاد میزدند "زنده باد انقلاب! زنده باد آزادی!"

بقیه از صفحه ۱۱

کمونیست...

و روح مقاومت جوانان خلق کرد، جانی تازه گرفته بود.

بر غرور دمتین و آموزشی رفیق بعدی بود که گلپه رفقا و کارگزارانی که او را میشناختند تحت تاثیر قرار میداد در همین حال و قیام روستایی و جدیت رفیق بعدی بود که ما نیکه با کارگران کارخانه مطرح کرد که میخواهد ازدواج کند، برایشان با ورت کردنی بود که آنها سرین هم ممکن است ازدواج کنند؟ سرین میگوید که شما نه روز در جهت حل مسائل دیگران میگردید و طلبه خود ش نمی - اندیشید؟ اما کارگران کارخانه نمیدانستند که رفیق سرین قصد داشت با یک کمونیست همسرش ازدواج کند، که دو شاووش یکدیگر را روزه انقلابی خود را هر چه فعلانه تر به پیش برند، که ازدواجش نیز بد خدمت انقلاب و در خدمت رزمی رزمی - آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان بود.



بهرم مبارزه برای آزادی طبقه کارگر توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی موره اما بت گلوله فساد را گرفت.

پس از شروع جنگ ارتجاعی ایران و عراق نیز رفیق به منظور آشنایی با درد و رنج کارگران و زحمتکشان آوار و مشقات جنگ ارتجاعی سفری به هوزستان کرد، روحیه تپوای رفیق که همواره وی را بدینال ارتضا ط هر چه فعلانه تر با توده ها میگذا ند موجب میشد که تمام انرژی خود را بد خدمت راه انقلاب و ارتضا ط هر چه فعلانه تر با زحمتکشان صرف کند.

رفیق سرین پس از پیوستن گسروه "انقلابیون آزادی طبقه کارگر" به سازمان ما، در موضوع کاندید عضو قرار گرفت، رفیق در سازمان مسئولیت کارخانه خود و یکی دیگر از

هنوز چند دقیقه از شروع تظاهرات نگذشته بود که مزدوران حزب الله با قهقهه و شمشیر به تظاهراتکنندگان حمله کردند و عده ای را به شدت زخمی نمودند، مردم به حمایت از تظاهراتکنندگان اعمال وحشیانه فاعلانها محکوم کرده و شروع به افشای حزب جمهوری اسلامی نمودند.



پیکر سیمان رفیق سرین آموزگار در سردخانه پزشکی قانونس

کارخانه های داروئی را بر عهده داشت و فعلانه بصورت خستگی ناشی از پذیرداری تحقیق آرمای نهایی کمونیستی اش و پیوند آگاهی سوسیالیستی با مبارزات کارگران میگوشت.

از خصوصیات بازر رفیق سرین شجاعت و جسارت، شور انقلابی، بیگانه و عشق با بیان - تا پذیرش به توده ها و جدیت و انضباط پذیری، پیگیری در پیشترو وظایف و احساس مسئولیت در انجام آنها بود.

رفیق در مبارزه بدشلولویک تا تمام مسی جوانب برای باز نمیشد، و با استدالات محکیم قانع نمیشد، تسلیم نظریات نمیشد و ما نیکه اصولی را میپذیرفت شدیداً بدانها میبندید.

رفیق سرین دارای برخورد های توده ای بود با کارگران روابط خیلی نزدیکی داشت، برخورد او با کارگران نیکه هوادار جریانات سوسیالیست بود و نیز فعال بود و تلاش در جهت شناختن خط اصلی بدانها بود، برخورد های رفیق جدی و سیاسی بود و عموماً از موضع حل مسائل به نفع جنبش و از موضع ارتقا رفقا حرکت میکرد.

از خصوصیات بازر رفیق، انتقاد پذیری او و برخوردش به ضعفها و کمبودهایش بود، قدرت انتقاد و تصحیح خطاها و اشتباهات از نکات برجسته ای بود که وی را دانا و شاد ارتقا میداد اگر چه با شهادت رفیق سرین، طبقه کارگر یکی از پیکارگران راه آزادی خویش را از دست داد ولی ده ها و صدها کمونیست جایگزین او شدند، سرین را ادا مدها جای خالی او را پر خواهند کرد.

گرامی باد با رفیق سرین آموزگار و همه شهیدان راه آزادی طبقه کارگر

چند تن از مجروحین توسط مردم به بیمارستان برده شدند و یکی از رفقا شکه به شدت زخمی شده بود را بخانه پیرزنی بردند و این پیرزن دلاور خودش را مداوای رفیق را بر عهده گرفت....

به نقل از خبرنامه محلی پیکار شیراز

شماره ۱۰

هنرمقاومت هنرپرولتری



سعید سلطانپور، شاعر و هنرمند کمونیست،

بدست بورروازی تیرباران شد، اما

”هنرمقاومت، هنرپرولتری“ مرگ نمی پذیرد!



”دروزی که سرمایه داری و جلادانش، ملوای
نفرتین، در گور خود مدفون شوند در آنسروز
کشتگان ماد و پاره پر خواهند خواست و این
شهبوروز رستاخیز نیست که آنان را بیدار خواهد
کرد بلکه فریادی است که از میلیونها گلو
اوج میگردد: کارگران جهان متحد شوید!
”از فراخوان حزب کمونیست آلمان به
مناسب قتل کارل لیبکنخت روزوالوگزا مورگ“

با زداشت شده و ما هم در شکنجهگاه وین در اسارت
بوده‌ایم. تیرباران رفیق سلطانپور در عین
حال که به تیرباران یکبارگی رژیم بطور کلی بوده
و پاره‌ها و ذروغهای و قبیحه‌هاش برداشته و همین
نشان داد، هنر کمونیستی، با پرچم خونین در دست
هیچگاه عرصه‌هایک ریزگر طبقه کارگر را ترک
نگفته و در صف مقدم رژیم تا ریخی او جای داشته
است، در صف مقدم رژیم که بنام جنگ عظیم طبقه‌ای،
جنگ پرولتاریا علیه بورژوازی، در سراسر جهان
در جریان است و تنها با پیروزی قطعی پرولتاریا
با یان خواهد پذیرفت.

بدون تردید، تیرباران جنایت با رفیق
سعید سلطانپور، همچون کشتار همه کمونیستها و
انقلابیون، برای کارگران و زحمتکشان آگاه،
دردی جانکاه و سهمناک داشته و فقدان آنان تنها
با رزمی هرچه آشتی ناپذیرتر، جبران کردنی
است.

اکنون که مزدوران جمهوری اسلامی در بلند
- گویای عوام فریبی میدهند و میکوشند با
تبلیغات مذبحخانه و فاشیستی، حق با را بگونه
جلوه‌گر سازند، بجاست که با نیروی هرچه بیشتر
نفرت توده‌ها را علیه این جنایت رژیم سر-
انگیزیم و با جلوه‌گر ساختن چهره‌ها تا بنا کز مرقعا
با دشمن را در قلب نبرد توده‌ها، روشن نگاه داریم.

زندگی رفیق سلطانپور:

زمننده هنرمند و هنرور زمانه

سلطانپور در سال ۱۳۱۹ در خانواده ای
شنگشت متولد شد. در شانزده سالگی به آموزش
پس از پایان تحصیلات دبیرستان به آموزشگری
در محلات جنوب تهران پرداخت، آشنائی او با
زندگی فلاکت‌ناز و زحمتکشان و شرکت در مبارزات
اوائل سالهای ۴۰ و اعتصاب سراسری معلمان
او را برای شرکت فعال در مبارزه طبقاتی آماده
- ترمیم ساخت. طی همین سالها بود که با بستگی
به جنگ آوردن سلاحی دیگر برای مبارزه طبقاتی
در او و بیش از پیش پرورش یافت، گرایش به
فعالیت هنری و به خدمت انقلاب در آوردن هنر،
بطور هرچه جدی‌تر برایش مطرح گشت. سالهای
۳۹ - ۴۵ را صرف آموزش سیستم علمی شاترنمود
و در همین سالها نشان داد که راه او را به پیوند
دادن هنر با مبارزه انقلابی است. از یکسو
”دشمن مردم“ را به نمایش درمی آورد و از سوی
دیگرو جنبش دانشجویی، فعالان شرکت میبست،
نقش فعال او برای بسیج توده‌ها در مراسم تشییع
جنایت‌های کبک به عرصه‌ای از مبارزه پرغش
علیه رژیم شاه شده بود، گویای این حقیقت است،
او با افت و خیز جنبش همواره مناسب ترین
شکل مبارزه را که در اختیار داشت انتخاب مینمود
در سال ۱۳۴۷ زمانی که توده‌های ستمکش در زیر
چکمه‌های رژیم پهلوی، مواجها به سرکوب خشن
پیوند، با خواندن اشعار و سوزان در جلسات شعر-
خوانی، به میدان آمد. او شاعر را انگیزاننده او در
روشنفکران انقلابی شوری ناگفتنی را بسیار
میکرد. سلطانپور اکنون دیگر هنرمندی انقلابی
بود که با همه محدودیت‌ها، در چشم رژیم دشمنی
آشتی ناپذیر مینمود.

از این پس او را به جرم آنکه هنر خویش را
در خدمت توده‌ها قرار داده بود، به وسیله رژیم
دژخیم‌شاه به اسارت درآورد.

در سال ۴۹ نمایش ۳۳ موزگان را که کارگردانی
کرد، مزدوران ساواک به محل نمایش هجوم آوردند
و او را دستگیر نمودند، او در جنگ جلادان زبان به
دفاع از خلق خود گشود، لیکن به سبب بازتاب
گسترده دستگیری او و پس از چند ماهی از بند
رها گشت. پس از رها شدن، کتاب ”نوعی از هنر،
نوعی از اندیشه“ را به طور مخفی منتشر کرد، این
کتاب با دعای ماهی بود علیه فرهنگ منحط
بورژوازی که شاعرانه فریبکاریهای رژیم‌ها
شاه و ”هنرنوازی“های مزورانه آنان را افشا
ساخت. او در سال پنجا و یک به علت انتشار مجدد
این کتاب دستگیر شد، پس از آزادی نمایشنامه
”چهره‌های سیمون ما شاعر“ را به اجرا درآورد.
نمایشی که خود معنای رژیم بود، سمبده چونسان
رزمنده‌ای در سنگر سلاح شتا در دست گرفته
بود. نمایش را بدل به عرصه افشای سیاسی
علیه رژیم برده برداشتن از تا حکذاری شاهانه
و سواشی دادگاههای دژخیمانه نظامی کرد. نمایش
که تماشاگران وسیعی را به خود جلب نمود، آنان
را به لرزه درمی آورد، و نفرتشان را علیه دشمنان
توده‌ها برمی انگشت. سراسری معنه‌ها را از آن

رژیم جمهوری اسلامی، اینها روحیه تراز
پیش، در حالیکه از بوی سرخ انقلاب به جوتوسی
جنایت‌ها را درجا راست، ما شین سرکوب خویش را
براه احداخته و بر سراسر ایران رد خون و کشتار
برجای نهادده است.

دژخول کمتر از یک هفته دهها کمونیست و
انقلابی، با جنایتکارانه ترین روش ممکن به
جوخه‌های تیرباران سپرده شدند، قتل آنان،
بدان درجه فجیع و هولناک بود که نقش سزایی
در تنفییر آشکار روحیات توده‌های ستم دیده‌نیت
به رژیم جلادایفا نمود. در لیست تیرباران شدگان
فراوانند که سبکه از ماها پیش، تنها به جرم
وفاداری به آلمان کارگران و زحمتکشان،
دستگیر شده و مدت‌ها در بارتکلیفی سر میبردند،
خوانان ۱۵ - ۱۴ ساله‌ای که با قلبی تپنده از
عشق انقلاب صرفا به بهانه شرکت در یک تظاهرات
اعتراضی آمیز، با فروش نشریات انقلابی و
کمونیستی و... به اسارت دژخیمان رژیم درآمده
بودند با موج سرکوب اخیر بدون محاکمه، در پشت
درهای بسته شکنجهگاهها، سینه‌های خروشان
آماج تیرهای کینه مزدوران درنده‌خو
بورژوازی شد.

در میان تیرباران شدگان اخیر، همه
جهانپان از اعدا رفیق کمونیست سعید سلطانپور
شاعر، نویسنده و انقلابی با بهت و ناامیدی خیره
دار شدند. همه میدانستند که او در ۲۷ فروردین
روزی که در مراسم عروسی خویش شرکت کرده بود

جودا علان جنگ به رژیم بود.

شاعر عصیانگر دوران مبارزات چریکی

سلطان شور، بعنوان روشنفکری انقلابی، در سالهای سلطه مشی چریکی با تمام وجود، زبان گویا و منعکس کننده روحیه آتشین رزمندگان دوران چریکی در عرصه هنر بود. موضوع محدودیتها و قیوت های این دوران از سال ۱۳۵۷ در هنر او هویدا است. هنرا و از سوشی سر تا راز تا و پیری بود که تنها با شناخت آوا شور بسما انقلابی و روحیات عصیان آمیز و آتشین انقلابیون چریک قابل درک است. هنری ستا بشکر قهرمانی های کسانی که یک تنه به جنگ با دشمن می پرداختند و میکوشیدند از خلال خون و آتش حماسه های قهرمانانه، راه انقلاب را هموار کنند. مجموعه شعر "آواهای بلند" او شهادت تحت تاثیر این مبارزه است. سلطان شور به سبب اشتراک راس کتاب در سال ۵۳ به شکنجه گاه برده شد. شکنجه های وحشیانه و هفت ماهه ادا می افتاد اما او توانا در راه انقلاب و خلق نیست ارمقا و مت وادامه نبرد داشت. دستگیریهایی مدا مخلی در عزم و برای پیشبرد نبرد انقلابی! بعدا در میگوید. او توانا مدتی در جیش توده های همواره مورد آزار و زخمیان قرار داشت.

قبل از قیام ۲۲ بهمن، با ردیگر در شبهای شعر خوانی، شاعر پر حروش و وطنی افکنده اشعاران لبرال ترسان به او چشم غره رانند. هنرمندان روبرو نیست، موزون ها و را منع نمودند، چرا که او هنرا برای انقلاب میخواست و این چیزی بود که چاکران شور وازی نمی پسندیدند!

انقلاب و سلطان شور!

شیورا انقلاب، وطنی پیدا رکنده ای داشت بقول لنین، انقلاب، آوا موزی بر آتش عظیم تر برای رهبران در برداشت. سیدمنا به یک هنرمند انقلابی، این بار نه با قهرمانانی که روحیات عصیانگرانه شان، با شورا افراد دشمن شکن می یافت. بلکه با صفوف میلیونی توده های روبرو بود که عرش اعلی هجوم میبردند تا سر نوشت خویش را در گروگان سازند و انقلاب را متولد گردانند. دنیای کهنه زیر گامهای خشمگین توده ها میلرزید و نیروی باور نگر دنی را که قدرت دگرگونی جهان کهنه را دارا به ناما پیش میگذا رد. و این با سلطان شور و آواخت که پیوند ها پیش را هر چه عمیق تر بنا نهاده ها تحکیم بخشد و روبرو به پارتا ربا این رزمندگان پیش مردم بسما بد، از این رواج سرد خوان میا رزه اتان گشت و در اشعار خود به پیش آتان برداخت و آرزوهایش با ملزومات پیبرد طبقه کارگر در هم آمیخت و سرودش، سرود ستایش حزب آینده، سرود ستایش نیروی کمرب طبقه کارگر، سرود ناگزیری سوسا لیم گشت.

از مهمترین فعالیتها ی او پس از قیام ۲۲ بهمن، توده گبر "عباس آقا کارگران ناسیونال" بود که وضعیت کارگران و توده های زحمتکش را

در انقلاب ۲۲ بهمن ترسیم می نمود، و با نسیب برولتا ربا را در میا رزه علیه بورژوازی میگرفت، از همین رواج این نمایش با ختم رژیم روروشد. تا آنجا که مستقما مورد هجوم مزدوران اوقرا گریست و نشان داد جمهوری! سلاسی با هنر ز منسبیده کمونیستی چه دشمنی آتشی تا پذیری دارد.

علیه روزیونیم

سید سلطان شور بعنوان یک هنرمند کمونیست نمیشناخت با روبرو یونیم، مگا ما شد. زمانه برما زمان چریکهای فدائی خلق، با سید سلطان شور و بورژوازی با نقاب مارکسیسم، غلبه یافت، و منحصر به اشتراک گشت. از همان آغاز او پیوند خویش را از کسانیکه به پایبندی سرما به داران شتافتند، برید، چرا که او پیشتر بورژوازی داشت. هر چند این امر بدون تزلزل در مقابل روبرو یونیم نبود، لیکن از آنجا که "اکثریتی ها" راه چاکری شور وازی را در پیش گرفته بودند، و او در پیش روراهی جز نبرد، با دشمنان طبقه کارگر و دولت سرکوبگر آلمان یعنی رژیم جمهوری اسلامی نمی یافت نتیجتا همه محدودیت های سیاسی - ایدئولوژیک رفیق سلطان شور مانع آن نشود که راهش را از راه عوامل مزدور بورژوازی جدا سازد. بدینسان او تا عمر کمونیست و هنرمند برولتا ربا باقی ماند و به صف رزم تا ریحی طبقه کارگر پیوست و به دشمن سازش تا پذیرد رژیم جمهوری اسلامی بدل شد.

قیر باران سلطان شور چه چیز را ثبوت میراند؟

شیر باران فدائی خلق، رفیق سلطان شور، پیش از هر چیز با نگر آتشی تا پذیرد بورژوازی با ناما بندگان آگاه و خشمگین است. رژیم جمهوری اسلامی امروز پیش از هر زمان دیگر به نام است که برای نجات بورژوازی چاره ای نیست، کرب دد منشا نه انقلاب و در درجه اول قتل عام بندگان واقعی طبقه کارگر و زحمتکشان ما ندارد. اما بدینسان، توطئه های گستاخانه ها ضد انقلابی، قصابی های پرا ز خویش ریزی و صابا یات نفع خود را پیش از پیش ظا هر میا زد و نسزد توده ها رسوا تر میگردد و به ثبوت میرا ند که برای کسب آزادی انقلابی و جلوگیری از فاجعه هر روز، چاره ای جز درهم شکستن کل قدرت بورژوازی، تا بودی کل نظام مشیست بر اشترا روردم کوفتن طبقه دشمن در میان نیست. البته کشتار و سید سلطان شور با نگر حقیقتی دیگر کم هست و نشان میدهد، هنرا انقلاب، هنرا و نا دارا به برولتا ربا و زحمتکشان. هنری که از سرچشمه نبرد طبقه ای کارگران و زحمتکشان علیه بورژوازی میشود، و از آلمان شکست تا پذیرا و اشاع شده است برچم حونا لودش را لحظه ای در میدان مبارزه ها نخواهد ساخت. نشان میدهد دشمنان برولتا ربا، برخلاف نغمه های مریدنه آزادی، حتی از چاری ندن آگاه می های انقلابی سر زبان سر و او همه دارند و خوا شورا را نه به سرکوب دد منشا نشسته اندیشه های انقلابی می بردازند. این نشانگر

دشمنی شور وازی با قله های رفیع اندیشه بشریت امروز، بشریت زحمتکش است و هنرا انقلابی بسما به سلاهی از آگاه می نمیتواند از دشمنی ارتجاع سی نصیب یاند اما با اینهمه هنرمقا و مت، هنر پرولتری مرگ نمی پذیرد و در دما مان مبارزات شکست تا پذیرد مردم غریده - تروشا دایتر گردن می افرازد.

هنرا انقلابی با بداز سید سلطان شور با سبب گردن شغری سازش تا پذیرد رصنه پیکار رجا نی برولتا ربا و شور وازی را با موزدوسا موزدیکه هیچگاه منکر نبرد طبقه را و لوتا آخرین قطره خون ترکگوید و سازش تا پذیرد برچم خویش را برافراشته نگا هدارد. غا طره رفیق سلطان شور برای ما با آرو و و ظا هنرمند کمونیست، و نقش او در عرصه مبارزه انقلابی است. هنرمند پرولتاریا با بدبا سرتق قرار دادن این نمونه ها، با بیان داشته با شکوه و فاداری نسبت به انقلاب افشانان و فقه تا پذیرد آگاه می در میان توده ها حتمی تا پای جوخه شیر باران، سی حامل نیست سلطان شور با قرا رگرفتن در کنار انقلاب، با مرز بندی با روبرو یونیمهای فدا شان اکثریت، با ایستادگی در برابر رژیم سرما به داری و با بسته جمهوری اسلامی، و فاداری به آلمان زحمتکشان را تا حد جانبازی به اشیا رما ندوشتان داد که هیچگاه بین هنر پرولتا ربا و شور وازی سازشی در میان نیست و جز تشنگی در این نبرد هیچ چیز عکس نمیراند!

نمونه دیگری از "اخلاق مکتبی"!

یک پاسدار همراه یک "برادر مکتبی" اش، در بهارستان سرخه حصار به یک زن بهار تاجا وز گردند.

در صفحات شماره های گذشته پیکار با رها نمونه های شمشک زنده ان از اخلاق مرتجعین "مکتبی" را بر ملا ساخته ایم. قسا داخلاق، فحشاء و هزاران انحراف دیگر در جوامع سرما به داری با هر پوشش خوا مفریا نه ای که این جوامع بهود گرفته ما شد، اجتناب تا پذیرا حنا ما مسئله اصلی اینجا ست که سرمداران جمهوری اسلامی و مزدوران رژیم که سرمدار ان دد پلیدی ها و جنایت ها هستند با قیافه های حق به عا نسب قرا شان جا مده را که با انحراف اخلاقی و فساد گشا نیده شده اند محکوم به سنگا روزدان و اعدام میکنند و خود جرثومه های فساد در آستان می - برورا نند. نمونه ها بسما رندا ما نمونه زیر از آنها شیکه در یک سیمارستان و برای بسک زن بسما رمیتلا بهر عرقت انسانق افتاده است، بمقتی دنا ثت و غیبتی این مدعیان "اخلاق" و "مکتب" عقبه در صفحه ۱۲

چین: دعوی رونیونیستهای مرتد و ادامه مبارزه طبقاتی!

با اغراضی از یک دوره کشمکش میان باند های رونیونیستی موجود در حزب حاکم بر چین، دار و دسته "تنگ" توانست "هوا" را از صحنه بدر کرده و کلبه مراکز قدرت را در دست خویش متمرکز کند. چندی پیش "هوا" تحت فشار باند "تنگ" مجبور شد مقام نخست وزیری را به "زا شویانگ" که طرفدار "تنگ" می باشد و گذار نماید و امروز نیز "هوا" که "تنگ" مجبوره است استعفا از رهبری حزب گردیده و به ناچار جای خود را به "هوا شویانگ" که جزو باند "تنگ" می باشد تسلیم کرد.

درواقع این دو باند ارتجاعی رونیونیستی هیچگونه تفاظی با یکدیگر ندارند. دعوی های آنان انکسار اختلافات میان فوکیونیست های مختلف بورژوازی چین می باشد. هر دو باند ضد انقلابی "هوا" و "تنگ" متحداً بر علیه خط مشی ما رونیونیستی حاکم بر حزب، مائیلین آن و رفیق ما شویانگ مگردند و پس از مرگ رفیق ما شویانگ ضد انقلابی خود را با ایدئولوژی دگرگونی در حزب اندوخته اند و به سرکوب کارگران و گارد های سرخ پرداخته اند. کمونیست های همچون رفیق "چیانگ چینگ" را به زندان انداخته و به اعدام و سپس تحت فشار رتوده ها به حبس ابد محکوم ساخته اند. دستاوردهای انقلاب فرهنگی را نابود کردند، به تخریب ساختار اجتماعی و سیاسی اقدام نمودند و در یک کلام دیکتاتوری پرولتاریا را از زمین برده و سرمایه داری را مستقر ساختند. آری هر دو باند رونیونیستی بوفد پرولتاریا متحداً قیام نمودند و آنان علیرغم اختلافات خود نمابندگان بخش های مختلف بورژوازی بوده و ما هیئت رونیونیست و ارتجاعی می باشند. در واقع "هوا" در پی آن بوده که خط مشی رونیونیستی را با اعتدال بیشتری پیاده نماید و این نوعی از خط مشی تریستی حمایت می کند که ما ما تریسم "هوا" را ملایک خط مشی رونیونیستی بود. حال آنکه "تنگ" با وقاحت تمام ما را موبی برده و خواهان تحکیم سریع سرمایه داری و تحکیم فوری مناسبات سرمایه داری است. رونیونیست ها و بخصوص امپریالیسم آمریکا بود بر چین می باشد و در عرصه سیاست داخلی دقیقاً یک خط مشی سرمایه داری را به پیش می برند. اتحاد با بورژوازی کهن در زمینه اقتصادی و سیاسی، احیای مذهب و کلیسا و تأمین امکانات وسیع برای تحمیل کارگران و سرمایه داری از طریق انتشار رکتیب و افکار مذهبی، در دسترس قرار دادن شعار ضد انقلابی، بگذاشتن و در کلیساها بگذاشتن! اجرای قانون سرمایه داری به گسار ای امپریالیستی در چین بخصوص سرمایه داری آمریکا و ژاپنی، حاکم گرداندن سود پر تولید و وابسته کردن هر چه بیشتر اقتصاد کشور به امپریالیسم جهانی. اینها نمونه های از سیاست



داخلی بورژوازی حاکم است. بهرواضح است در بستر چنین ساختاری در عرصه های مختلف فساد گسترش می یابد. فساد اداری رشوه گیری بطرز بسیار بقیه ای در چین گسترش یافته است. تنها در سال گذشته بیش از ۲ هزار پرونده مربوط به سوءاستفاده از پست های دولتی برای استفاده شخصی مقامات مملکتی مطرح گشته است. بر اثر همین فساد بیش از ۴ میلیون دلار از اموال عمومی توسط مقامات کشوری به چپاول رفته است. در حال حاضر بدهای دزدان افزایش یافته است و در همین ارتباط ارتکاب به قتل به شدت زیاد شده است. گسترش مادی امپریالیستی، رواج فیلم و فرهنگ امپریالیستی، توسعه فساد اخلاقی و غیره از دیگر نشانه های رونیانی سرمایه داری در چین می باشد. سوسیالیسم فساد فرهنگی - اجتماعی بیگانه است و اگر امروز ما در چین اشاعه می یابد یا بدینا طرآنست که در چین سرمایه داری حاکم شده است.

در عرصه سیاست خارجی چین رونیونیست خط سازش با امپریالیست های غربی را به شدت دنبال میکند. رونیونیست های صفا نی چین در رقابت بورژوازی خود با سوسیال امپریالیسم شوروی روابط بسیار تنگی با امپریالیسم آمریکا برقرار نموده اند. به نحوی که در سال ۱۹۷۹ موافقت نامه ای در زمینه اطلاعاتی میان دو کشور امضا شده است. بر اساس این موافقت نامه امپریالیستی، امپریالیسم آمریکا در خاک چین موفق به استقرار دوا بستگاه استراق سم گردیده تا بدین طریق بتواند فعل و انفعالات در شوروی و از جمله آزمایشات موشکی شوروی را تحت کنترل قرار دهد. تکنیسین های چینی تحت نظارت مستشاران آمریکا در این دوا بستگاه فعالیت داشته و بدین طریق آمریکا میتواند رقیب خود یعنی امپریالیسم روس را تحت نظارت جاسوسی خود قرار دهد. بنابراین می بینیم که "تنگ" تلاش برای دریافت تکنولوژی امپریالیستی را عرصه فروش خاک چین است.

در برابر این خیانتها پرولتاریا چین با کت ننشسته است. پرولتاریا چین از زمان تصرف قدرت توسط بورژوازی جدید تحت اشکال مختلف به مبارزه خود ادامه داده است و ما چندین بار در شمار های قبل "پیکار" نمونه های از این مبارزه را متذکر شده ایم. به علاوه در ۲۲ خرداد

امسال کارگران و رتوده های آگاه در شانگهای دست به یک تظاهرات بزرگ زدند. در این تظاهرات چندین هزار نفر شرکت نمودند و از جمله خواستهای آنان اعتراض به بیکاری و شرایط مشقت بسیار زندگی بود. پلیس مرتجع به این تظاهرات حمله کرده، به ضرب و شتم تظاهرات را سرکشتگان را پراکنده و تعداد زیادی را دستگیر نمود. این تظاهرات در تداوم مبارزاتی است که بخصوص در سال گذشته صنعتی علیه مرتجعین حاکم بر چین صورت گرفته است. این مبارزات نشان میدهد که پرولتاریا و رزمندگان کمونیست در چین همچنان به آرمان سرخ کمونیسم وفادارند و برای تحقق آن به هیچکدام از طبقاتی خود همچنان ادامه میدهند. بیکاری که از نابودی بورژوازی رونیونیست های خائن و درهم شکستن قدرت سیاسی آنها میگذرد.

جنبش انقلابی در مراکش: آتش زیر خاکستر

در شمار پیشگیری داشتیم از اعتصابات کارگری در مراکش (مغرب)، اینک برای آنکه خوانندگان به کار را اطلاعاتی هر چند جامالی از اوضاع این کشور داشته باشند، نکاتی را به اختصار می آوریم:

مبارزات آزادیخواهان و انقلابی ضد استعماری و ضد امپریالیستی در کشور های مغرب عربی (البسی، تونس، الجزایر و مراکش) دارای سوابق درخشان و طولانی است. امپریالیست های ایالتی، صانیان، فرانسوی و آمریکایی هر یک بنوبه خود در سرکوب طبقه ای این کشورها اقدام کرده و ضرباتی دردناک نیز از دست خلق های قهرمان این منطقه میم. ستراتیژیک دیواست کرده اند و دولتی غیرمقاوم آنها، بدلیل نوبتایی این جنبش ها و عدم رهبری طبقه کارگر و خیانست بورژوازی و خرده بورژوازی که رهبری این مبارزات را بدست داشته، هم اکنون در شمار این کشورها (هریک بنحوی) کارگران و رزمندگان مورد سرکوب و استعمار قرار میگیرند. رژیم های بورژوازی تونس و مراکش، دارای سیستم سرمایه داری - داری بوده و به امپریالیست های غربی وابسته می باشند و در لیبی و الجزایر سرمایه داری دولتی حاکم است که کلاً به سیستم جهانی امپریالیستی وابسته می باشند.

پس از جنگ جهانی دوم جنبش های رها شد بخش علیه امپریالیسم فرانسه در این منطقه اوج گرفت. امپریالیست های فرانسوی با حمایت دیگر امپریالیست ها، تا آنجا که "تشنان برید" سرکوب کردند و آنجا که "تشنان کشتند" با ارتجاع مملکتی دست به سازش زدند. تا انقلاب را معدوم و محصور کردند و آنرا خفه سازند. بدین ترتیب بود که در تونس با خیانت آشکار بورژوازی برهبری حبیب بورقیبه، پسک "استقلال دروغین" به تونس "اعطاش" (۱۹۵۵) و

استعمار و نوپا و شد روز افزون سرما به داری و ایست با های خود را در تونس محکم کرد. وضعی که تا به امروز در تونس ادا می دهد و همواره ملازم سبک سرکوب طبقه کارگر و دیگرو حاکمان و دیکتاتور خونی سورنیستای بوده است.

انقلاب الجزایر نیز با همه اوج و گسترش و مقاومت حاکمان انگیزش با زش رهبران بورژوا و خرده بورژوا در نیمه راه متوقف ماند پس از ۷ سال جنگ استقلال و حدود یک میلیون شهید، با انقضا دقرا داد ۱۳ و بان (۱۹۶۲) از ادا می زد است. مراکش هم که در اواسط این قرن شاهد مبارزات گسترده و منجمله جنگهای پارتیزانی بر رهبری شخصی بنام عبدالکریم الخطابی (که خود از مبتکرین نظامی این نوع جنگ است) بود، مبارزات توده ها در آن، سرنوشته دردناک - تر داشت و قتل و لاشه ها توانستند در همین حال که بسیاری از امتیازات "دیرین خود را حفظ می کنند راه همزیستی با سرما به های امپریالیستی و نفوذ سرما به داری وابسته را نیز هموار کنند. هم اکنون در مراکش، این سازش بین نفوذالیم و سرما به داری وابسته موجب حفظ نهاد سلطنت و مالک و اموال بی حساب مالکان بزرگ ارضی و درباریان و روسای قبایل از یکطرف و گسترش روز افزون سرما به داری وابسته از طرف دیگر شده است.

پس از کودتای ارتعای ملک حسن دوم در سال ۱۹۶۱، رژیم در راه تحکیم با یکا به طبقه ای خود و تقویت اختلاف بین مالکان بزرگ ارضی و سرما به داری وابسته، به اقدامات فوری و جدی دست زد. رژیم تمام تلاش خود را برای کنترل و هدایت اقتصاد کشور در جهت وابستگی هر چه بیشتر با آمریکا برد. علاوه بر این امتیازات ویژه ای به امپریالیستهای آمریکا داد که نمونه آن را در نفوذ گسترده اقتصادی و نظامی (وجود ۳ با یکا به نظامی آمریکا در مراکش) میتوان مشاهده کرد. سورنیستهای اسرائیلی نیز از این "خوان بنما" بی نصیب نماندند و علیرغم "عربی بودن" این کشور، روابط "پنهانی" بسیار حسنه ای بین اسرائیل و مراکش وجود دارد. (برای نمونه به خریدتای نکهات اسرائیلی از طرف مغرب میتوان اشاره کرد و با حمایت ضمنی ملک حسن از "ملیح" کمپ دیوبند)

سودهای سرشار از تجاع و فقر زحمتکشان

وابستگی ارگانیک رژیم در زمینه های اقتصادی و سیاسی به امپریالیسم جهانی و پیوسته آمریکا، و غارت و استعمار طبقه ارتعای حاکم کارگران و زحمتکشان را روز بروز در فقر بیشتر و فرومیرد و موجب تهاجرت حدود یک میلیون کارگر مراکشی را که در فرانسه و دیگر کشورهای اروپائی و آمریکائی با کارهای طاقت فرسا استعمار میشوند، همراه آورده است. مبارزات کارگری و شونده ای نیز در اشکال مختلف همواره جریان دارد. این مبارزات که عمدتاً در اتحادیه

های زبده اتحادیه های زیر نفوذ فرمیستهای و رویزیونیستهای موریتیکو غالباً از حد مطابقت با اقتصاد فراتر رفته و رژیم توانسته است با سیاست "جما ق ونا" شیرینی آنها را سرکوب نماید. زندانها و اداگاهها همیشه فعالند. مبارزه زحمتکشان در شهرها و روستاها، علیرغم شکستهایش، هرگز خاموش نشده و همواره بطور گسترده اخبار و گزارشات نشان میدهد این مبارزه از یکطرف و مقابل رژیم ارتعای مغرب در برابر آن به شهادت حدود ۵۰ کارگر انجا می ده است. هم اکنون مبارزات کارگری و دهقانی و مبارزات دانشجویان با هم پیوند خورده و به مرحله رشد نوینی نزدیک میشود.

نیروهای سیاسی

الف: احزاب با صلاح اپوزیسیون، این احزاب در چهار چوب قانون اساسی حق "تفصیل کشیدن" محدود دارند تا آنجا که بتوانند با "تفصیل" های خود برای رژیم را "گرم تر" و امن تر سازند و با سموم رفرمیسم رویزیونیسم ملوی انفعال را گرفته "سوپا" اطمینانی "برای ادا می چساول" دستر زحمتکشان بدست سرما به های امپریالیستی و وابسته ها شده. مهمترین این دارو - دسته ها که گاه چندگرمی دربارلمان و بدست با لایکی دویت وزارت می دهند می آورند و غالباً با کوچکترین "فصولی"، برکنار میگردند و مبارزندان:

- حزب استقلال: که بورژوا کمپرادورهای را نمایندگی میکند. رهبران حزب لال الفاسی با شاهان هم داری روابط نزدیکی بود.

- حزب سوسیالیست جناح راست منشعب از تشکیلی که در اواسط سالهای ۶۰ بنام "اتحاد ملی نیروهای خلق" بر رهبری "مهدی بن برکه" بوجود آمده بود. این "اتحاد" در اساس غیور بقایای بورژوازی ملی و نیز خرده بورژوازی را نمایندگی میکرد. مهدی بن برکه در جناح مبارز قرار داشت، بن بهما زش با رژیم نداد و برنامهای خود را تحت عنوان "گزینه ش

انقلاب" ارا شده ا. او و جمعی دیگر از سنان اتحاد که ها ضربه ها زش نشدند با محکوم به اعدام شدند. بعدها بن برکه در نتیجه توطئه مشترک پلیس فرانسه و مراکش، درباریس ریه شده و به شهادت رسید (۱۹۶۵). هم اکنون ادا می ده جناح راست را شخصی بنام مهدی المریم بو عبیدر رهبری میکند که چندی پیش در وزارت مراکش نیز شرکت داشت. این جناح که لیبرالها و کمپرادورها را نمایندگی میکرد بعدها نام "حزب سوسیالیست" را برای خود برگزید چون ملک حسن از نام قبلی "اتحاد ملی" ... خوش نمی آمد!

- حزب "کمونیست" مغرب: این حزب رویزیونیستهای ننگا رکه در کشورهای عربی به "حزب کمونیست سلطنت طلب" معروف است. در خیانت به طبقه کارگر بدست "حزب توده" را از پشت بسته است! رویزیونیستهای مغربی و دبیر کل شان بنام "علی یخته" "ضرورت" (سلطنتی بودن رژیم را شوریز کرده با توجه به ترکیب اجتماعی مراکش منجمله وجود قبایلی، سلطنت شاه معبدلکه "ضروری" می دانند!! اینک این احزاب رفرمیست و رویزیونیست چه موممی را بین زحمتکشان شهر و روستای پراکنده و چه خیانتها می میکنند احتیاجی به بحث بیشتر ندارد.

ب: احزاب و نیروهای انقلابی - اینها عموماً تحت پیگرد قرار دارند و بدست مبدیر میگردند و تا آنجا که ما میدانیم ما تنداز:

- گروه گزینش انقلاب "الاختیار" (الاشووی). هم انطور که اشاره کردیم، آنها همان جناح مبارز "اتحاد ملی نیروهای خلق" هستند که همچنان نامی را که شهید بن برکه برای برنامه اش برگزیده بود، بهر خورده اند. نفوذ آنها بین اقشار متوسط شهری و روشنفکران خرده - بورژوا و گاه اتحادیه های کارگری است. رهبری آنها را شخصی بنام "محمد البصری" که از مبارزان قدیمی جنگهای استقلال مراکش است دارا می باشد. آنها بین کارگران مبارز نیز فعالیست دارند. نشریه شان درباریس منتشر میشود بنام "الاختیار الثوری". آنها همگاری قابل توجهی با "الفتح" دارند.

- گروه ۲۳ مارس: که خود را مارکسیست - لنینیست میداند. یک گروه انقلابی است. این نیرو در برابر سوسال امپریالیسم موضع ما نشر و شدیداً متزلزل دارد. نشریه ای به همین نام درباریس منتشر میکند.

- گروه "به پیش": این گروه نیز خود را مارکسیست - لنینیست میداند. انقلابی است و در برابر ثوری موضعگیری ما ندارد. نشریه آن به همین نام (الی الامام به پیش) درباریس منتشر میشود.

هریک از این گروهها در داخل کشور نیز فعالیتها می دارند. تعداد زندانیان و شهیدای وابسته به این گروهها که عمدتاً از بین دانشجویان و کارگران هستند نشان میدهد فعالیت آنها در داخل است.

پشتیبانی توده ها از انقلابیون و نقش خائنه توده ای ها و اکثریتی ها

در روز ۱۵ خرداد حدود ۲۰۰ تن که اکثر آنها توده ای، اکثریتی و غارتها می سازند بودند ابتدا در هفت شبه بدست به راهیما می زده و سپس در ساعت ۱۲ ظهر حمله گسترده ای را بر علیه نیروهای انقلابی آغاز کردند. عمل مسلح رژیم با دوما شین مزد و یک حب استیشن به "منازل" کاغذی رن پوش برده و در مقابل چشمان مردم بطرزی خونت آمیز عده ای از هواداران معاهدین را دستگیر و از ساختمان غارت ساختند. مردم شاهد بقیه در صفحه ۱۸

حمله پاسداران مزدور به خانواده‌های زندانیان سیاسی اوین

با رشد مبارزات توده‌ها و تشدید سرکوب این مبارزات بدست رژیم جمهوری اسلامی، هرروز تعداد بیشتری از فرزندان خلق به سبایهای آریا مهری افکنده میشوند و خانواده‌های آنان اطلاعی از سرنوشت فرزندان نشان بهدانه نمی‌کنند. در همین رابطه در تاریخ ۶۰/۳/۲۵ عده‌ای از خانواده‌ها شیکه فرزندان نشان در طی مدت اخیر دستگیر شده بودند برای کسب اطلاع از سرنوشت آنان جلوی زندان اوین اجتماع میکنند. پاسداران با دادن جوابهای سریالیه خانواده‌ها غم و نفرت آنان را برمی‌انگیزند. این مزدوران با فحاشی به نیروهای کمونیست و انقلابی و حشت خود را از کارگاه‌گران زندان نشان میدادند. خانواده‌ها و زندانیان با دیدن این برخورد با اعتراض و بدورپاسداران جمع شده و شروع به افشاکاری میشدند. یکی از آنان میگفت: "انقلاب کدیم که باز هم بهترین فرزندانمان در زندانها بر سریند و خودمان از افرادی سر و پا بی مثل شما اینهمه حرف‌ها مربوط بشنویم؟ همزمان با تشدید تعرض خانواده‌ها نسبت به پاسداران، بلندگوی زندان اطلاع‌رسانی میداد که خانواده‌ها از جلوی دروازه‌ها با پاسداران متفرق شوند که جمعیت اعتنایی به این اخطارها نمیکند. مزدوران برای پراکنده کردن جمعیت شلیک بزرگی با قطره‌ها و شش‌متر را با فشار آب قوی به روی جمعیت میکنند. در این هنگام زنی که بر اثر فشار آب به زمین پرت شده بود، پس‌راه آجری را برداشته و بطرف پاسداران می‌اندازد. پاسداران با مشت و لگد به سرزن ریخته و سبای شلیک گلوله مردم را متفرق کرده و سعی میکنند زن را داخل زندان ببرند که با مقاومت وی روبرو میشوند. این مزدوران با دیدن مقاومت زن، او را شدیدتر زیر ضربات مشت و لگد و حشاشه خود میگیرند. جمعیت با دیدن این جناحیت با پاسداران با خشم و نفرت فریاد می‌کشیدند. سپس پاسداران با درآوردن کلت و نشانه رفتن بطرف زن، دیوانه‌وارا زوی میخوابانده داخل زندان می‌ساید. سهرحال پاسداران موفق میشوند زن را به سوراخ زندان ببرند. خانواده‌های غمگین از جنایات رژیم میگفتند که بالاخره روزی خواهد رسید که شما را هم مانند سایر کپها قطعه قطعه نمائیم.

مرگ سرخ‌پلادان رژیم!

زندانیانی سیاسی انقلابی به همت
توده‌ها آزادیا بدگردد!

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز ایران!

رژیم شما را به جاسوسی علیه انقلاب فرامیخواند، توطئه او را به خودش برگردانید!

مردم بکشند، با آگاهی هرچه شما متربا این توطئه مقابله کنید. با کمونیستها و انقلابیون که نشریه‌هایش میکنند با آنها را به نحوی میشناسید همکاران کنید اما می‌فایانها و حزب الهی‌ها و توده‌های و اکثریتی‌ها این غاشین به طبقه کارگر که به جاسوسی برای سرمایه‌داران و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی می‌پردازند افشا کنید. شما توطئه رژیم برای بدست آوردن اطلاع از مردم عقیم‌گذار و بدو دعوی غاشین و ضد انقلابیون ساواکی و فایانها و رگوه‌ها و محاسلات مربوط به اهالی مغربی نمائید. رژیم شما را به جاسوسی فرا میخواند. با همکاری با کمونیستها و انقلابیون، مشت محکمی برده‌ها را بکوبید. اطلاعاتی دادستانی و سبای پاسداران را به ضد خود بیدل سازید.

سازمان مبارک در راه آزادی طبقه کارگر

۶۰/۴/۱۲ ***

شاه میگفت: "ما ۳۳ میلیون ساواکی داریم!!" رجائی میگوید: "ما ۳۶ میلیون حزب الهی داریم!!"

ولی همه آنها از آفت الله غمینی تا نبوی خاشن با خواهش و تمنا از مردم مبارز میخواستند که هر حرکت "مشکوک" را به "ما مورین انتظامی" خبر دهند و غمینی از مردم آگاه‌ها میخواستند که: "همه همسایه‌های خودشان و رفت و آمدهای مشکوک را تحت نظارت بگیرند" (صبح آزادگان - ۱۰ تیر ۶۰) شما از بیکیهای انقلاب که می‌خواستند با باطن‌جانه و با رعایت ضوابط انقلابی، منبشی برای دادن آگاهی سیاسی به توده‌ها، روز بروز بر شما لبت خودافزوده اند و حشت دادید و لذا برای دستگیری و تعقیب آنان مردم مبارز را به جاسوسی دعوت میکنند. مبارزات گسترده توده‌های انقلابی آنچنان لرزه بر اندام سرمایه‌داران جمهوری اسلامی انداخته است که از یکسود و رفاهی شما با نه میگویند و همه زحمتکشان و توده‌های آگاه ایران را "ماموران" رژیم جاسوسانند و از طرف دیگر بارها ندکی تمام از خلقهای زحمتکش ایران میخوانند که به نفع سرمایه‌داران دست به جاسوسی بزنند ولی این توهین بسیار شرم‌آور را توده‌های انقلابی ایران تحمل نخواهند کرد.

زحمتکشان میهن ما همانطور که به‌شاه، "نه" گفتند و با سخا و شلیفات مسموم و گویلیز او را با مشنهای گره‌کرده و فریادهای انقلابی دادند، با حکم رژیم جمهوری اسلامی نیز فاطمه و ابوالدا به مبارزه انقلابی، رفتار نمائیم. خواهش داشت.

امروز همان انقلابیونی که در سبایهای رژیم آریا مهری تحت پیگرد و شکنجه بودند، همان انقلابیونی که در راه مبارزات کارگران و زحمتکشان سخت‌ترین شرایط مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم دست‌نشانده‌ها را تحصیل میکردند... آری همانها امروز نیز تحت پیگرد هستند. کمونیستها و انقلابیون در ادامه انقلاب خلقهای ایران که در ۲۲ بهمن درخشید و لسی متوقف مانده همان به پیش میروند، با خفان و سرکوب مبارزه میکنند. غیبت‌های رژیم جمهوری اسلامی را در سبای سرمایه‌داری وابسته و حمایت از سرمایه‌داران و زمینداران افشا میکنند. اینها آنان تحت پیگرد قرار دارند. رژیم شما کارگران و زحمتکشان و قبیاحانه میخواند که افراد کمونیست و انقلابی را بسنه کمیت‌ها و پاسداران جهل و سرمایه‌گزارش کنید. رژیم میخواند شما جاسوس ضد انقلاب بسازد و جوانان را با کبایه انقلابی ایران را بدست خود

مردم آگاه‌ها مبارزه‌کننده‌ها و جلاد و خون‌آشام در آخرین سالهای حکومت ننگین پهلوی، که ما مورین دژیم با واک و کمیت مشترک رژیم، شب و روز در رگوه‌ها و غیبت‌ها برای عداوت‌ها خشن انقلابیون جان برکف، به جاسوسی و توطئه‌چینی مشغول بودند، در پاسخ خبرنگاران خارجی که در اثر فشار افکار عمومی توده‌ها، تعداد ساواکیها را از شاه میپرسیدند جواب میداد که: "در ایران ما ۳۳ میلیون ساواکی داریم". شاه جلاد و زورواکی که تا قوس مرگ رژیم ضد خلقی اش به صدا درآمده بود، مدبوحانه سعی میکرد تمام مردم ایران را جاسوس رژیم و درواغ‌ها می‌خودجا بزند، اما هیچکس حرفهای پوچ آن مرتجع خون‌آشام را نپذیرفت. و امروز ما شاهد تکرار مفرغتها ریح هستیم. در حالیکه توده‌های زحمتکش در برابر ما همسایه‌ها کمیت خاشان بر اندام رژیم جمهوری اسلامی و در اعتراض به سرکوب و کشتارها، فقر و فلاکت توده‌ها، گران و قحطی، بیگاری و دیداری فقدان بهداشت و مسکن و... فریاد دژیم برآورده‌اند! رجائی مرتجع ادعا میکند که "کابینه" او ۳۶ میلیون عضو دارد، "تعداد حزب الهی‌ها ۳۶ میلیون نفر است" و دیگر مرتجعین خاکم‌نیز همین لاف‌ها را تکرار میکنند.

سرمه‌داران رژیم ادعا میکنند که تمام مردم ایران از رژیم جمهوری اسلامی حمایت میکنند

رژیم جنایانش را لاپوشانی میکنند! برای کشتارهایش دلیل میتراشد!

کارگران، زحمتکشان،
توده‌های مبارز ایران

ما بطوریکه میدانید، در روز شنبه ۳۰ خرداد یک تظاهرات عظیم توده‌ای با شرکت رما هدیسن خلق و با شرکت نیروهای کمونیستی و بسیاری از هموطنان آگاه و مبارز در تهران برپا شد.

چنین تظاهراتی که برای رژیم جمهوری اسلامی غیرقابل انتظار بود مشت محکمی بر دهان رژیم و پورهای سبانه آن به نیروهای انقلابی شواخت. رژیم پاندهای حزب الهی را در آرزوی با وحشیگری شما به جان تظاهرات کنندگان انداخت بسیاری را کشت، مجروح کرد و زندان فرستاد رژیم میخواست زهر چشم بگیرد و با مطلق "قاعده" نشان بدهد و توطئه سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی را که از مدت‌ها پیش روی کاغذ بود، در عمل به پاندها بدیدن ترتیب بود که از یکطرف دستگاه‌های دروغ پرانی خود را با تمام ظرفیت خود به کار انداخت. رژیم ادعا کرد که ۲۵ حزب - اللهمی در این تظاهرات کشته شده اند و دولتی چیز نامیکنند برینا علی ما زندانی که با زعمالوم نیست چگونه کشته شده بود کی دیگری را نتوانست اعلام کند.

رژیم برای آمار کردن ذهن توده‌ها برای کشتار کمونیستها و انقلابیون بدست به سبک ساواک شاه و مقام منبتی، معاصیه تلویزیونی با شرکت خاشین و جلادان مارکدار ریختی محمدی گیلانی و لاجوردی ترتیب داد و عکس جا قو و فلغل و نمک (!) را به نمایش گذاشت و نیروهای کمونیستی و انقلابی را "جا قوکنش" و "جانسی" و "قاتل" معرفی کرد! محمدی و لاجوردی اعلام داشتند که مجروحین و زندانیان را میتوان کشت و در آمارهای جنایتها در شبانگاه روز ۳۱ خرداد، ۲۳ انقلابی و کمونیست را در زندان اوین شیره با ران کردند. رفتارها سداران حتی با اجساد این شهیدان بقدری سبانه بود که در کمترین زمانی بوقوع پیوسته است.

صبح روز دوشنبه اجساد شهیدان را جسون لاشه در اتومبیل میریزند بطوریکه جلوی پزشکی قانونی هنوز خون از آنها سرازیر بوده است. اجساد دختران شهید را که در جاده‌های سبانه پهن شده بودند در آن پزشکی قانونی روی زمین انداخته بودند. با سداران به اجساد پاک شهیدان را آزادادی لگدمیزند و بی حرمانی فحاشی‌های رکیک میکردند!

خون آثامی رژیم، عطشی داشت که سیراب نشده بود شبهای بعد کمونیستها و انقلابیون را در دسته‌های مختلفه نفری ۱۱ نفری و غیره در اوین و

نیز در شهرستانها تیرباران کردند و طوطی چند روز تعداد شهدا از مرز ۵۰۰ گذشت. رژیم همان راه اوپسی و محمد رضا شاه را پیش گرفته است و آن اینکه بسا کشتار و راه انداختن حاکم خون، تسهیل زگرده توده‌ها با بدکشد! ولی همه میدانیم که پسین خیال غامی بیش نیست!

رژیم به نحوی خاشنا نه و مزورانه در کنار این کشتارها به اعدام مبرخی از فعالان انقلابیون ساواکی نیز پرداخت و انقلابیون پاک و جان سرکشف و کمونیستهای راه‌های کارگران و زحمتکشان را در کنار گمانی ما ننهادن مرا میانی مدیسن خوانند و جنایات با بیشتر ما نه در کنار ما مبرخی از شهدا فساد اخلاقی و قتل را ذکر کرد! این رژیم متحان خود را خوب پیش توده‌های آگاه داده است. در کشوری که فساد انقلاب بر آن حکومت میکند، بهشتی "مظلوم" از آب درمی آید و لسی بیگاری و فداکاری و مجاهدات آمریکا می شوند! بقول معروف کار و دیوانه‌وار و نه است! "رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی جوانان انقلابی و کمونیست را به "جرم" پهن اعلامیه در خبا بسا ن ترور میکند بر فحاشی را که ما بها پیش دستگیر شده اند در یک عکس العمل دیوانه‌وار و ریس از تظاهرات ۳۰ خرداد بدون محاکمه تیرباران مینماید بزن مبارزی بنا ملا هره آقا خانی مقدم را که ما همه با علم بوده‌ایم با شوهر کمونیست اش رفیق علی عالیزاده کرمانی (هر دو از گروه کمونیستی نبرد) به جوخه اعدام میسار و آتروقت به کمونیستها و انقلابیون لقب "جانی و قاتل" میدهد!

کارگران، زحمتکشان!

همه میدانند که حقیقت چیست. هیچکس از تهمت‌ها و دروغ‌های رژیم نمیتواند جنایاتهای بی حساب آنرا توجیه و لاپوشانی کند. در کجای دنیا کسی را بظرف پهنش اعلامیه ترور میکنند؟ رژیم شاه به چنین اقدامی فقط زندان ابد میداد در کجای دنیا مجروح و سیرا میتوان کشت این راهبرترین و سیرک دولتی حاکم شرع محمدی گیلانی که مجتهد است و از طرف ایت الله خمینی به مقام رباست دادگاه انقلاب منصوب شده آنرا درست و اسلامی و قرآنی میدانند و میگویند این حکم جنایتکارانه را به کله مردم فرو کنند. در هیچ کجای دنیا از احکامات مذهبی توده‌ها این چنین نفیج استفاده نشده است! رژیم اینهمه جنایت را با نام قرآن و اسلام بخورد مردم میدهند و عمارین شهادتیها و عوامفریبی‌ها طولانی نیست. توده‌ها اگر آگاه شوند با چنان خشم و کینه‌ای لبه تیز حمله را بسوی این رژیم برخواهند کرد اندک دمار از روزگارش درآید.

بعد از آنجا که مقرر حزب جمهوری اسلامی، رژیم سنت دیرین روضه خوانی و گریه گرفتن از مردم و دام زدن به احساسات و توهین توده‌ها را بکار گرفته میگوید خود را پاک و مظلوم و انقلابیون را آمریکائی و جانی قلمداد نماید. رژیم میگوید از این انفجار و سبانه تازی سبازی سرکوب کمونیستها و انقلابیون و راه انداختن حاکم خون ساواک و دولتی این حقیقت را از پند توده‌ها میخواست و دهینها ن بداند که حزب جمهوری اسلامی و کسانیکه در آن حاد کشته‌ها مجروح شده اند تا چه حد تا به امروز کشتارهای خونین نظیر قتلان و قاتل و... و اعدای او پسین برای انداختن بر آن سعه گذارده اند.

کارگران، زحمتکشان، توده‌های مبارز ایران

با استفاده از هر موقعیتی فریاد متراش خود را علیه سرکوب کمونیستها و انقلابیون که از سوی رژیم پانده و توجیه میشود بلند کنید. دروغ‌های و قبحانه رژیم را برای اطرافیان خود فاش کنید و با کمک و همکاری با انقلابیون و کمونیستها راه انداختن انقلاب دمکراتیک خدا مهربا لبستی! خلفای ایران را هموار سازید. سازمان بیگار و در راه آزادی طبقه کارگر

بقیه از صفحه ۱۶ پشتیبانی...

ما چرا بها ساری را که یک دختر مجاهد را خود میبردند بها سنگ موده ختم انقلابی خوبی قرار دادند. آنها با حضور فعال و روحیه بسیا را لسی تنها جمی خود به حمایت از دستگیرشدگان برخاسته و توانستند تعدادی از آنان را از جنگ مزدوران رژیم خارج سازند. در این روز جمعا ۱۲ تن از هواداران ما هدیسن دستگیر شدند.

جنایت بیشتر مانده پاسداران در بیمارستان جهرم

در روز شنبه ۶۰/۲/۲ در شهر جهرم دو تن از ما هدیسن خلق در یک درگیری در همین بخش و فروش شدت مجروح میشوند و در بیمارستان تحت مداوای پزشکان قرار میگیرند. در هنگام مداوا چند پاسدار و حزب اللهی به بیمارستان آمده و همه پزشکان و پرستاران را از اتاق خارج میکنند و میگویند ما اینجا (بما هدیسن زخمی) کسار داریم. ناگهان مدای شلیک چند گلوله به گوش میرسد. وقتی مسئولین بیمارستان وارد اتاق میشوند میبینند که دو ما هدیسن خود در غلطیده اند. یکی در دمجان سیرده و دیگری که گلوله به گردن او خورده است وضع شدت زخمی دارد. آری، وقاحت او با شان مزدور رژیم جمهوری اسلامی را حدی نیست.

به نقل اختصاری از خبرنامه محلی بیگار

شیراز شماره ۱۰

اعدام انقلابی کجوتی مزدور بدست یک پاسدار!



رشد مبارزات قهرمانانه کارگران و زحمت -
کشان مبین ما علاوه بر سواختن چهره جنایتکار
رژیم جمهوری اسلامی و افشای مزدوران آن، در
صفوف ارگانهای سرکوب آن چون سپاه پاسداران
و ارتش نیز شکاف انداخته و بخشی از آنان با پی
بردن به ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی رژیم، با
این ارگانها و ارتکب میگویند و با دست به اعمال
انقلابی میزنند.

طبق اخبار مرموق صبح اعدامهای اخیر
فرزندان اسیر خلق در زندانهای آریا مهری که
موج نفرت و کینه توده ها را نسبت به رژیم جمهوری
اسلامی برانگیخت، موجب شد تا یکی از پاسداران
زندان اوین از موضوعی انقلابی به فکر اعدام
انقلابی کجوتی و لاجوردی و گیلانی، این مزدوران
شناخته شده رژیم بیفکند و چون لاجوردی در جریان
سمب گذاری در مقرر حزب جمهوری اسلامی زخمی
گشته بود و محمدی گیلانی را نیز زخمی نمیکند،
کجوتی و لاجوردی را خونریز و در محوطه زندان به
رگبار می بندد. در این جریان کجوتی کشته شده
و آخوند زخمی میشود.

پاسداران زندان، این پاسدار انقلابی را
دستگیر کرده و به طبقه چهارم ساختمان زندان اوین
میرند که پاسدار مزبور از آنجا خود را به پای شین
انداخته و گویا شهید میشود. و بدین ترتیب
کجوتی مزدور که چهره ضد خلقش برای تمام
انقلابیون که با ایشان فرزندان اوین رسیده،
روشن است به سزای خیانتهای خود میرسد.
عمل انقلابی این پاسدار، مآذ و اعمال
انقلابی سربازان و پرسنل مبارزی است که در
دوران سلطنت رژیم خونخوا ریهلوی، همراه با
مبارزات انقلابی بوده، دست به اعدام انقلابی
خلدان و سران حاکمان ارتش مزدوران این عمل
با آذ و ور پرسنل شهید ارتش است که در راههای قبل
از آنها در میدان لویزان تعدادی از سربازان

یورش رژیم حاکم علیه زحمتکشان به سرکوب آزادیهای دموکراتیک محدود نمیشود:

۶۰ دکه غیرمجاز پرچیده شد
سروس خبری - سخنگوی روابط عمومی شهرداری تهران طی
اطلاعاتی جهت اطلاع شهروندان تهرانی فستی از آثار تبلیغاتی هفته
گفته اند که از این آثار و انتقالاتی شهرداری تهران را به این شرح اعلام
می دارد: احداث و معرفی مخطوطات از مقررات شهرداری، مآذ گامها، ۹
مآذ تبلیغ و احداث برگ دوم پیش آگهی و احداث به بهادرت اساتذ دخت
کمیسیون ماده ۱۰۰، کمیسیون تبلیغی وزارت و سایر ادارات ۶۷۹
مقرات جلوگیری از تصاریفات ساختمانی بدون پروانه ۲۰۲، دستگاه تصحیح
آب و برق ۱۰۰، قریب گرسنه صبح شده در گذشتار گاه تهران
۲۱۸۲۷ و سایر پرچامها که غیرمجاز ۶۰ فقره
۱۰۶ ساختمان غیر قانونی تخریب شد
به اطلاع شهروندان تهرانی می رسد که به منظور جلوگیری از کارهای
غیر قانونی ساختمانی همچنان موجود که در زمینه های کشاورزی و وسیع در
باخت آباد بدون داشتن مجوز مخابرات به احداث ساختمان نموده بودند در
هفته جاری توسط عوامل شهرداری منطقه ۱۸ جسیا ۱۰۶ واحد
ساختمانی خلاف اعم از مسکونی، تجاری و دیگر کنی تخریب گردید.
روابط عمومی شهرداری تهران

جمهوری اسلامی - پنجشنبه ۱۱ تیر ۶۰
غریب و طویل بوجود آورده اند، خواسته های حق -
طلبانه زحمتکشان بی ممکن و بی کار را شدیداً
سرکوب میکنند و با چسبیدن برچسب "فدا انقلاب"
به زحمتکشان مبارزان، اعتراضات حق طلبانه
آنان را به خاک و خون میکشند.
آری! تشدید عملیات و عشیانه رژیم حاکم و
اوسا شان مزدور و حزب جمهوری اسلامی علیه
نیروهای کمونیست و انقلابی و سرکوب حرکت های
اعتراضی و حق طلبانه زحمتکشان از رتبسات
ناگسنتی با اخراج کارگران از کارخانه ها
سرکوب بیگاران دکه دار و تخریب خانه های معقر
زحمتکشان بی ممکن و... دار و دوسه همین جهت
با بد مبارزه علیه تعرض گسترده اخیر رژیم حاکم
بر علیه نیروهای انقلابی و موج اعدام های
کمونیست ها و مجاهدین را با مبارزه زحمتکشان
برای یک آوردن حق عادلانه شان در مورد کسب
کار و ممکن و... در هم آمیخت.
با تلاش در هدایت و جهت دادن مبارزات
زحمتکشان بر علیه رژیم جمهوری اسلامی، در اتحاد
و آگاه ها و غش آنها بیش از پیش بکوشیم.

تنبه از صفحه ۲۳ دومین ۰۰۰۰
بطرز و عشیانه ای رفیق را بشهادت میرسانند.
قاتلین رفیق پس از کشتن او، سعی میکنند
شهادت رفا را غفکی طبیعی در آب جلوه دهند اما
با افشاکری با ران رفا و شوا قعات موجود در
پرونده پزشکی قاضی، جنایت مزدوران رژیم بر
ملا گردید. شهادت رفا، با ران مبارزان را ادامه
راه انقلابی او با برجا شوا ستوار تر نمود.
در دومین سالگرد شهادت کمونیست جوان
رفا براتوند، با سرخ او را که در آزادی زحمت
کشان از سوغ استعنا را بر مری سرخ به شهادت
رسد، گرامی میداریم.

بادش جا و بسند باد!

باز هم تخریب خانه های زحمتکشان! باز هم تخریب دکه های بیگاران!

تشدید سرکوب و غفلان و یورشهای مداوم و
عشیانه مزدوران مسلح رژیم جمهوری اسلامی
علیه زحمتکشان آگاه و نیروهای انقلابی و
کمونیست، زمینه ای است که در پناه آن، رژیم
حاکم خواسته های حق طلبانه زحمتکشان را مورد
یورش قرار داده و همچنان به توطئه علیه زحمت -
کشان و کارگران ادامه میدهد.

رژیم حاکم با استفاده از جوارع و تهدیدی
که با امواج پشت سر هم دستگیری انقلابیون و
زحمتکشان آگاه و شکنجه و اعدام زندان سیاسی
انقلابی به مراتب شدیدتر از گذشته با دگرده
است، به زحمتکشان که با هزاران در دور و نزدیک
در مناطق زحمتکش نشین نظیر پاشاغت آریا دکلیمه
معفری برای خود و خانواده شان ساخته اند و یورش
میسرد و در یک حمله و عشیانه ۱۰۶ خانه را ویران
میسازد و نام آنرا میگذارد: جلوگیری از کارهای
غلاف... عده ای سودجو! آری و اقتصاد را غ -
جویان را با بددربارغت آریا د، حیرت آریا د، کجوتی
ولی عمرو مثال آنها گرفت با در میان سرما به
داران کاخ نشینی که رژیم جمهوری اسلامی
با تمام امکانات از آنها حمایت میکند؟
آری! در اعدام سرکوب خونین زحمتکشان و
نیروهای انقلابی است که رژیم در تداوم سیاست
ضد خلقی دوسال، و چند ماه پیش بر زحمتکشان دکه
دار مجدداً یورش میبرد و سبب ط آنها را در شان
کرده و بجای ایجاد کار (که از خواست و توان چنین
رژیم جنایت پیشه ای بدور است) آنها را روانه
"دادگاه ها" و زندانها مینماید.
سرمداران رژیم حاکم با سودجویی از فضای
تهدید و آراسی که به کمک دستگاه های تبلیغاتی

مزدوران ارتش را در نهادهای رزوری لویزان به رگبار
بسته و به حیات زحمتکشان را خاتمه دادند. آری، در
دورانی که مبارزات توده ها بر علیه رژیمهای
ارتجاعی اوج میگردد، شعله های انقلاب به
درون ارگانهای سرکوب این رژیمها نیز راه
پافته و پرسنل زحمتکش آنها را به روبا روشی با
فرماندهان و سرکردگان خا ششان میکشند.
چنانکه اکنون نیز در دوران اوچگیری مبارزه،
توده ای بر علیه رژیم جمهوری اسلامی، نمونه
اعدام انقلابی کجوتی و لاجوردی که گرا تا هدم
درود بر پرسنل مبارزان و رزوران ارگانهای
سرکوب رژیم!

دروود بر پرسنل مبارزان و رزوران ارگانهای
سرکوب رژیم!

مردم: مرگ بر سرمایه دار، مرگ بر سرمایه دار

در تاریخ دوشنبه ۲۶ خرداد بدستال گران -
فروشی یکی از مفا زده رانی که حزب الهی هم
بود، مردم مسجد سلیمان به مفا زوی حمله ور
شده و علاوه بر زدن مفا زه دار، با شاعرهای "مرگ بر
سرمایه دار"، "مرگ بر سرمایه دار ریش دار" به
تخریب اجناس مفا زوی پرداخته و ماسین او را
به آتش می کشند. همچنین مردم شامی را می کشند؛
"اتحاد" مفا زه، به روزی، "ا" زحمتی و گران،
از جنگ ارتش می مردم به تنگ آمدند. "این حرکت
با شرکت ۵۰۰ تا ۷۰۰ تن از مردم و حدود ۱۰۰۰
تا ۱۵۰۰ شمشاچی انجام گرفت.

حمله با سداران به صفوف مردم و تلیک هوائی
هیچگونه تا شیری در ارا ده خلل نای پذیر آنها بر
جای نگذاشت. مردم هنگا می که بر اثر تیراندازی
موقتا عقب نشینی می نمودند با دیگرها شمار
"مرگ بر سرمایه دار" را در صحنه می شنود و در همان
حال تصمیم می گیرند به یک مفا زه دار دیگر که وی
نیوازیبا زاربان معروف و پولدار است حمله
نمایند. بهر حال درگیری های مردم با رژیم در
این روزها ظاهرا ادامه پیدا می کند. مردم جریسان
واقع را برای کسانیکه نبودند با زگو کرده و بعد
از ظهرها شرو زنیبا ر دیگر جمع می شوند. ابشار
با سداران و شهربانی با یک برتا مه مشترک،
با انداختن گاز اشک آور و تیراندازی هوائی
سمی می کنند مردم را متفرق نمایند.

در روز سه شنبه نیز مردم علیه رژیم مسیح مزدوران
و با سداران با دیگر جمع می نمایند. روحیه
شعری شده ها در این دوروزها نگرش و کینه
عمیق آنان از سرکوبگران شده ها بود.

مردم کمیته جیان را به عقب نشینی واداشتند

در ساعت ۷/۳۰ دقیقه روز ۶۰/۳/۲۳ یک
بیکان استیشن کمیته که کمیته جی سرنشین
آن بوده و چند دختر مفا زرا حمل می کردند، در
میدان امام حسین ظاهر شد. دخترها از پشت شیشه
مردم را به کمک می طلبیدند. مردم نیز بسوی
ماشین دویده و دور آن را گرفتند. یک زن چادری
با شوری قابل تحسین در ماشین را با زگرده و به
دخترها گفت: "بیرون بیایید" اما یک کمیته جی
با ستن در مانع شده و ماشین در ترافیک میدان
قعدا را به حرکت واداشت. مزدوران رژیم در طی
پیمودن میدان چندین بار با مردم متفرق و پیرو
شده و سرانجام مجبور به رها ساختن دختران
گردیدند. بعد از آزادی دختران مفا ز، عده ای از
مردم همراه آنها رفتند تا مفا ز حزب الهی ها
به آنان حمله ای برسانند.

آنها با بدستدار نه به مفا زه زمینهای نشود آنها
و ما لکین وزمینهای مغرب شده خود اقدام نمایند.
(با استفاده از علامه هواران سازمان
در میسنی) ۶۰/۲/۱۰

"تشدید فشار رژیم بر جنگزدگان از وحشت ارتجاع است"

سپاه با سداران سرمایه دار این ارگان سرکوب
رژیم بدستال و قابع اغیر، آنها خود را بر علیه
جنگزدگان آگاه نیز شدت بخشیده و به سرکوب
وحشتا نه مفا زرات و خواستهای حق طلبا نه آنها
پرداخته است؛

بهمن منظور روز چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷ با سداران
ارتجاع دو سر به جنگزده را در مقابل خوابگاه
۲۵ (واقع در مشرفا طمی مقابل دژبان) بسدون
هیچگونه دلیلی کتک می زنند. عده ای از شا هان
عینی به همراه جنگزدگان در اعتراض به این عمل
با سداران، آنها را حاصی کتک می زنند و همچنین
کلیه عکسهای چسبانده شده بر در و دیوار خوابگاه
را کشته به آتش می کشند. با سداران ساعت ۱۲
شب با دوما شین با سدار خوابگاه را محاصره کرده
و با حمله به اطافای خوابگاه دو نفر از عتاسر
میا روزا که قبلا بسویله جا سوان خوابگاه
شنا ساشی شده بودند دستگیر کردند. با سداران
همچنین با سرزدن به اطافای دیگر، جنگزدگان
را از خواب بیدار کرده و اطافای آنها را سورد
تفتیش قرار دادند. این عمل موج افشاگری بر
علیه با سداران را در خوابگاه با لایا برده آنها
خواستار آزادی فوری دستگیرشدگان شدند.
با سداران از ترس حرکت انقلابی جنگزدگان
ساعت ۳ نیمه شب جیونا نه یکی از دستگیرشدگان
را آزاد می کنند.

روز بعد پنجشنبه ۶۰/۳/۲۸ اهالی خوابگاه
متفرقا نه در حالیکه بر علیه سپاه و رژیم افشاگری
می کردند خواستار آزادی فوری فرد دستگیر شده
می شوند. در ساعت ۱۱ صبح همان روز با سداران
دوبا ره خوابگاه حمله کرده و چند نفر از جوانان
انقلابی را با زور به اطافای برده و با جوب و جماعت
شدت کتک می زنند با سداران وحشیگری را بعدی
میرا نند که یکی از مفا زین خوابگاه توسط
با سداران نام "دستغیب" به ساشین برتاب میشود
و دستش می کشند. زنان که از این اعمال سنا نه
با سداران به غم آمده بودند در پیرون خوابگاه
برای عابرین به افشاگری می پردازند. مردم
نیز به حمایت از جنگزدگان با آنها همدردی
نمایند.

تشدید فشار رژیم بر جنگزدگان برای سرکوب
حرکتهای شعری و کمک کردن علقان و در نهایت
سرکوب انقلاب است.

به نقل اخترازی از خبرنامه محلی بیکار
شماره ۹

حمایت پرستل مبارز بیمارستانها از انقلابیون

بدستال فراری دادن چندین تن از
رغمیهای محاصره در بیمارستان، لبانی نژاد توسط
پرستل آگاه و مترقی بیمارستان، دوبا سدار را
ما مورحافلت از رزمیهای با قیما نه نمودند و
حتی یک پرستل مدجروح را با دستبند به تخت
می بندند که مفا ز را فرار کنند. اما پرستل آگاه و
را هم فراری میدهند. در پی این فرارها، رئیس
بیمارستان، سرپرستار کل و دکتر و پرستار مدجروحین
و دوشن از کارکنان را به کمیته احار می نمایند
و با شوا لات مختلف می کوشند ما ملین فرار را پیدا
کنند. پس از چندین بار زهری و با زجوشی،
یکی از مستخدمین روزموز را به جرم فراری دادن
رغمی ها اخراج می کنند. لازم به تذکر است که
اکثریتی ها و توده ای ها در اخراج فرد مذکور
نهایت همکاری را با عمل رژیم بعمل می آورند.

رژیم جمهوری اسلامی حامی خانهای ما می باشد!

رژیم جمهوری اسلامی طی دو سال وانسندی
ما کمیت خود، بنا به ما هیت طبقاتی اش، ضمن
فریب دادن دهقانان از طریق بند "ج" لایحه
ارضی و... همواره در مقابل دهقانانی که به
مادره انقلابی زمینهای مالکین و فئودالها
اقدام می کنند استاده و در دفاع از زمینداران و سا
سرکوب و کشتار دهقانان ستمیده پیش رفته
است. از جمله اقدامات فئودالنی و حمایت
رژیم زمینداران بزرگ، تصویب باز پس دادن
زمینهای مادره شده توسط دهقانان روستاهای
"بکش" میس می باشد.

قبیه از این قرار است که ولی خان کیا نیسی
قسمت مهمی از زمینهای سه روستای منطقه "بکش"
به نامهای بکش دودانگه، فلی و علیا (بکسل
فهلپان - با جگاه) و آشگری را از زمین دهقانان
جدا کرده بنا به سرورنش به شیت میرساند. اما بعد
از قیام ۲۲ بهمن ۵۷ دهقانان منطقه بسین
زمینهای غصب شده را مادره می کنند. در این
اواخر برخان به رژیم نکایت میسر و هیئت ۷
نفره نیز به نفع او را می میدهد. ولی دهقانان
سرختا نه و متعده نه مقاومت می کنند و حاضر به
پس دادن زمینها، حتی اگر کار به خونریزی
نکشد، نمی شوند. آنها همچنین نامندگان خود
را به شیراز به دگا ها انقلاب میفرستند و لسی
دا دگا ها انقلاب نیز مانند هیئت ۷ نفره استوداد
زمینها را به خان تصویب و تا شیت می کنند. بسین
تنها نمونه ای از اقدامات فئودالنی رژیم است
دهقانان تنها بدگول سیاستهای فریبکارانه
رژیم میس سر حمایت از دهقانان را بخورند

نخبة از صفحه ۲ سرمقاله

جمهوری اسلامی در بین مردم و نیروهای انقلابی برانگیز شده است، بهر حال عدی است که میتوانند برای تبدیل این کمته و نفرت به نیروی آگاه و بخش جهت تکامل مبارزه کرده ها وسیع آنها برای ورود هر چه بیشتر به صحنه مبارزه و توسعه و ارتقاء مبارزه طبقاتی، به نیروی محرکه ای جهت برانگیختن غرایز و تمايلات خرد بورژوازی در عرصه تائیک تبدیل گردد، در شرایط کنونی که زمینه سازی برای پیدایش تمايلات و اتحاد درونی و تائیک آنا ریشیتی در جنبش کمونیستی و انقلابی بوجود آمده است، مبارزه با این روشها و تمايلات در کنار مبارزه با گرایش انحلال طلبانه راستی که آن نیز زمینه عین تکوین و رشد دارد، به وظیفه خطیری برای پرولتاریا تبدیل شده است، موضع پرولتاریا آگاه نسبت به تسرور سرخ این بوده است که این تائیک، به صورت یک شکل فرعی مبارزه و تائیک تحت شرایط مساعد و از جمله در شرایط موقیمت انقلابی، میتواند مورد استفاده قرار گیرد، در چنین شرایطی، عمل ضرور، به عنوان یک شکل فرعی مبارزه میتواند در حفظ و ارتقاء روحیه مبارزاتی بوده ها و متغیلات تشمیف روحیه فداانقلاب، که در اوج تشنت خود قرار دارد، مؤثر افتد، این شکل از مبارزه، تحت شرایط مذکور مبارزه با تائیک به مبارزه بوده ها و در پیوند نزدیک با آنها که تائیکات مثبت آن فقط و فقط در رابطه با نیروی حاضر در صحنه مبارزه بوده ها مفهوم پیدا میکند، حتی در این شرایط نیز، وظیفه اصلی پرولتاریا آگاه، سازمان دادن مبارزه جاری بوده ها و ارتقاء و تکامل آن میباشد، در دورانی که سطح مبارزه بوده ها هنوز از وضعیت انقلابی بدو است، در شرایطی که تودع وسیع مردم، به در صحنه مبارزه سیاسی حضور ندارند و با در اشکال با تائینی مبارزه مینمایند دست زدن به تعرض مسلحانه و ترور، از جانب نیروهای کمونیستی و با دموکراتهای انقلابی چیزی جز انحراف از تائیک صحیح در مبارزه سیاسی نمی باشد، این شکل مبارزه، بهر ترتیبی که صورت گیرد، با سببسم سیاسی را در میان بوده ها رواج میدهد و آنان را و میدارد که مبارزه قهرمانان ضرور و عملیات نظامی، بخای مبارزه خود، بدل بسندند، تائیک ضرور و مبارزه مسلحانه چریکی در این شرایط، بوده ها را به نظر رهبران غیر فعال تبدیل می کند و ذهن آنان را از آگاهی به نیروی واقعی خود و از نیروی اصلی محرکه انقلاب، به معنسی مبارزه مستقیم بوده ها منحرف میزند، در شرایط کنونی، مبارزه بوده ها، علیه ریم آنکه ربه گسترش و توسعه است، اما بهیچوجه در سطحی نیست که اشکال عالی مبارزه را در دستور قرار داده اند، توده ها در بخش وسیع خود هنوز با ایده سرکونی پرورش نیافته اند و هنوز مبارزه و ذهنیت شان آغشته به توم نیست که

آلترنا تئوها ارتعاعی است، از طرف دیگر تناسب قوا هنوز به نفع ارتعاع است و به همین جهت انقلاب در شرایطی نیست که به تعرض قطعی دست بزند، این واقعیت در کنار خلعت و بسز او عا ع کنونی، یعنی حدت بهران سیاسی، تکامل ناموزون تفايدها و سطح مبارزه بوده ها در بخش ها و مناطقی مختلف، بطور عینی شرایطی را نشان میدهد که در آن این امکان وجود دارد که قبل از نفع شهاشی دوران تدارک انقلاب و جلب اکثریت توده ها بطور فعال به جنبه انقلاب، انفرادکامل ارتعاع و تغییر تناسب نیروها به نفع انقلاب و تحت تاثیر حوادث و رویدادهای پیش بینسی نشده و با دوشیروا ت سریع در اوضاع، بسبب درگیری زودرس به انقلاب تمیل گردد، در چنین شرایطی اتحاد تائیک انحرافی از طرف نیروهای انقلابی میتواند این روند را بطور گور و خود بخودی تسریع نماید و با سوزاندن مرحله تدارک انقلاب، تا جاکه در عیطا راده و عمل عنصر آگاه قرار دارد و در شرایط و لطافات حدی به انقلاب وارد سازد، تحت شرایط حاضر دست زدن به تائیک ترور و شیوه های مبارزه مسلحانه چریکی، جزئی از تائیکات انحرافی است که یکلی بنا روند عینی سطح مبارزه بوده ها در تعرض قرار داشته و با به انحراف کشاندن این مبارزه لطافات حدی به اردوی انقلاب، وارد میسازد، همچنین این تائیک آنا ریشیتی، بنا قرار دارد، نیروهای سیاسی انقلابی در برابر سرزمین ارتعاعی، در شرایطی که توده های وسیع مردم هنوز در صحنه مبارزه سیاسی بطور فعال وارد نشده اند، و حمایت توده ها از پیشا هنگ طبقه کارگر ضعیف است، امکان سرکوب شده با بسن نیروها را از جانب ارتعاع فراهمی نماید و با قرار دادن نیروهای انقلابی در برابر ارتعاع بطور قهرآمیز، در شرایطی که تناسب قوا بطور کامل به نفع ارتعاع است، دست ارتعاع را در برابر کنده نمودن صفوف نیروهای انقلاب با زسر مبارزه، چرا که این تائیک و روش مبارزه، در حالی که توده ها در سطح نا زلتی از مبارزه قرار دارند، از پیشوا نه نیروی مادی آنها بدو است و به همین جهت در صحنه مبارزه بخای مبارزه بوده ها با ارتعاع، مبارزه نیروهای سیاسی انقلابی با ارتعاع به جریان می افتد، و این همان جوهر آنا ریشسم است که میخواهد خود را بخای توده ها به صحنه مبارزه روبا روی با رژیم کسبل دار و خود را نیروی محرکه انقلاب قرار دهد، علاوه بر این چنین تائیک، بلحاظ عدم تناسب سطح و شکل مبارزه بوده ها و ذهنیت آنها، در شرایطی که ارتعاع این چنین لحام گسیخته و بی محابا دست به سرکوب و کشتار میزند به عای آنکه توده ها را به نیروی عظیم مبارزه خودشان واقف سازد و امکان رها نمودن این انرژی و نیروی عظیم انقلابی را فراهم میسازد، توجه توده ها را به انرژی و نیروی "تگفت انگیز"

و "اعاب آور" رهبران "معجزه گر" جلب میکنند و کینه و نفرت طبقاتی آنان، نسبت به امسال ارتعاع، با چنین سطحی از مبارزه و آگاه، با چنین روش های آنا ریشیتی و اعمال "انتقام" - جویانه، "فروکش می نماید و آنان را به نظر رهبران منفعل در صحنه مبارزه تبدیل می کند و این حقیقت را از آنها می پوشاند که با بسن خود آنها هستند که با نیروی مبارزه خویش می - با بست توطئه ها و تعرض ارتعاع را در سرکوب انقلاب بخشی نماید، این خود آنها هستند که میبایست با فعال شدن در اردوی انقلاب و با پیوستن به جنبه مبارزه فعال، به شکست نا پذیری در برابر موج لحام گسیخته ارتعاع ابعاد نمایند و با وج تهاجم ارتعاع را نسبت خودش بازگردانند، تائیک ترور و با سرتا کتیک های غیر توده ای در این شرایط، بهر کینه و نفرت طبقاتی توده ها نسبت به ارتعاع آب سردی میباشد که بهر انجام به با سببسم سیاسی می انجامد، طبیعی است که نیروهای مختلف از زوایای مختلف ممکن است به این تائیک های آنا ریشیتی در غلختند، از نقطه نظر پرولتاریا، موضع مارکسیسم - لنینیسم نسبت به تائیک صحیح و اشکال مبارزه روشن است، آنان اما از موضع جنبشی و لبقه کارگر و توده ها حرکت میکنند و بر اساس آن تائیک خود را اتخاذ میکنند، ضمن آنکه در مبانی تائیک خود، با نا سابه کار خود را بجای توده قرار نمی دهند و با سیاسی تائیک های خود را این ایده قرار میدهند که انقلاب کار توده ها است، و وظیفه عنصر آگاه هدایت و ارتقاء مبارزه طبقاتی پرولتاریا و توده ها است و نه مبارزه به عای آنها، یک نیروی خرد بورژوازی دموکرات گرچه بلحاظ خلعت طبقاتی خود، همواره در عرصه تائیک زمینه سوق با فتن به تائیک های آنا ریشیتی را دارد، لیکن مبارزه بهر گور و قاطع پرولتاریا آگاه با این تزلزلات و انحرافات میتواند روی ربه سمت خط مشی و تائیک های دموکراتیسم بهر گور باشد، و به همین جهت مبارزه پرولتاریا آگاه با این انحرافات و تائیک های خرد بورژوازی هم در درون جنبش کمونیستی و هم در درون جنبش انقلابی با نیروهای خرد بورژوازی دموکرات از اهمیت اساسی برخوردار است، چنین است برخی از عوارض و نتایج نا مطلوب روش سیاسی آنا ریشیتی و تائیک ترور در شرایط حاس کنونی، ما در آینده بلحاظ اهمیت موضوع با هم بیشتر بر این نکات و جنبه های دیگر این مسئله سخن خواهیم گفت،

نخبة از صفحه ۲۳

بقية د: صفحہ ۱۹

[illegible]

شنبه ۲۴ زفغه ۶۰ لیبرال‌ها...

همدردی با سخن دیگر سوزواری و برای آنکه سیستم قانونگذاری سوزواری دجا را خنثی سازد، در مجلس شرکت کردند لیبرال‌ها با حضور خود در مجلس با زحمات گزینش کردند که در برابر وجه گیری جنبش حاضران در آنجا در صورت لزوم، سرکوب انقلاب و استیلا و طبقه کارگر شرکت ورزند. لیبرال‌ها اگرچه توسط حزب جمهوری شدت دجا را محدودست گردیدند، اما نشان دادند که در شرایط بحرانی حاضرند همان چندگرمی با رلمان را نیز در مقابل انقلاب همچنان فعال نگه دارند. آری لیبرال‌ها با این اقدام خود نشان دادند که پیوسته مدافع نظام ماکم و سیستم استگرا نیست موجودی باشند.

سران حزب جمهوری در برابر این اقدام لیبرال‌ها ابراز نادمی کرده و بی‌شعوری و همبستگی طبقاتی هردو جناح در برابر انقلاب تا کید نمودند. رفیسان در همین زمینه مطرح کرد: "سعی از نمایندگان که قبلاً طوسی نامه‌ای اعلام کرده بودند که به مجلس نمی‌آیند با شما شای که گرفته شد آنها گفتند که شرایط غیر از آن شرایط قبلی است و احساس وظیفه میکنند که به مجلس بیایند و امروز هم آمده‌اند." سپس اومی گوید: "از سران با مدار، معاف‌شد، حزب الله و همه میخواستند هم‌حقوق نمایندگان را مراعات کنند. نماینده‌ای که آمد دگکی دارد به وظایف خود عمل کند و ما بل است به مجلس بیایند و به مردم خدمت کنند و حقوق قانونی را رد می‌دارد."

طوری رفتار شود که نتوانند بیاورند، "جمهوری"

اسلامی - ۱۱ تیر - تا کید از ما ست
بدین ترتیب سران حزبی بر همگساری بخشهای مختلف سوزواری در برابر انقلاب تا کید کرده و عملاً تا حدودی در برابر لیبرال‌ها نرمش نشان میدهند.
بعلاوه آنکه که لیبرال‌ها در هفته گذشته انجام دادند یکبار دیگر با شرکت کردند که دشمن انقلاب می‌باشند. در روزهای اخیر، رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و سیمترین سرکوب‌ها را در دستور خود قرار داد، بیش از ۸۰ نفر از کمونیست‌ها و انقلابیون را به جوخه اعدام سپرد، به تشدید شکنجه زندانیان سیاسی انقلابی دست زد. مبارزین بسیاری را به زندان افکند و در یک کلام موج لجام گسیخته سرکوب را متوجه طبقه کارگر، زحمتکشان، کمونیست‌ها و انقلابیون نمود اما در مقابل این همه جنایت لیبرال‌ها چه کردند؟ آیا لیبرال‌ها مدافع از کمونیست‌ها و انقلابیون برخاستند؟ آیا لیبرال‌ها مدافع از زندانیان سیاسی انقلابی اقدام کردند؟ آیا لیبرال‌ها در دفاع از زحمتکشان، علیه رژیم جاکم و حزب مرتجع جمهوری اسلامی اعتراض نمودند؟ پاسخ تمام این سئوالات منفی است. و جزا پس هم انتقاری نیست. آری لیبرال‌ها در همان زمان که به گرمی‌های مجلس با زنی گردن‌دو به رفقای خود سرگ افراد دمنفوری چون بهشتی و منتظری - ها را تسلیم می‌گویند، در برابر اعدا همسنان و حتی نه‌فرزندان را ششین خلق سکوت شول‌ش.

آمیژ میکنند، آری لیبرال‌ها در همان زمان که می‌گویند تا ارگان قانونگذاری سوزواری دجا را خنثی سازد، به سرکوب جناستگارانش شده‌های آگاه، کمونیست‌ها و انقلابیون لختند می‌زنند.

بدین ترتیب یکبار دیگر می‌بینیم که لیبرال‌های مرتجع که دیر و زود قدرت سهم‌مهمی داشتند، خود را لانه در سرکوب انقلاب در کدستان ترکمن صحرا، خوزستان، دانشگاه و شرکت می‌بستند و امروز که با ما به اپوزیسیون تبدیل شده‌اند به جناحیات رژیم در مقابل انقلاب لختند می‌زنند. طبقه کارگر و روشنفکران و زحمتکشان یکبار دیگر در تجربه خود می‌بینند که لیبرال‌ها نه مدافع آزادی و دموکراسی واقعی بلکه خواستار سهم بیشتر در قدرت سیاسی موجود می‌باشند. لیبرال‌ها از آزادی حرف می‌زنند تا خود را را غریب دهند. لیبرال‌ها از "وفای به عهد" حرف می‌زنند تا بر دوش خلق دلاور ما سوار شوند و در رقابت با حزب جمهوری امتیازات بیشتری کسب نمایند.

کارگران و زحمتکشان! لیبرال‌ها علیه شما تمام عوام فریبی‌های خویش دشمن شما و انقلاب شما هستند، لیبرال‌ها با شما در همین نظام گم‌نیده می‌باشند و تا مغز استخوان ارتعاش می‌باشند. لیبرال‌ها اگرچه امروز در مراکز سیاسی دولتی قرار دارند و رند لیکن همانند حزب جمهوری مدافعین طبقه سرمایه‌دار، ریشماری آند و این طبقه همان طبقه‌ای است که با بدیزبانیات انقلاب شما سرنگون شود.

★ ★ ★

شنبه ۲۴ زفغه ۶۰ تشدید...

هوادران خود را خورده نمودند که وظیفه دارند تا "حرکات مشکوک را به سپاه با مداران اطلاع دهند" (اطلاعات ۱۱ تیر). این مزدوران طبقه سرمایه‌دار علاوه بر اینکه خود در حال حاضر یک شبکه جاسوسی برای رژیم و سوسپال امپریالیسم شما رمی آید، شده‌ها را فرا می‌خوانند تا به کمک ارتعاش‌ها کم‌بشتا بند و کمونیست‌ها و انقلابیون را به رژیم وابسته جمهوری اسلامی لو دهند.

و اما از رژیم سرمایه‌داری و ریزبونیست‌های مزدور چه انتظاری می‌توان داشت؟ طبقه کارکمن با همه ایت خود از ما می‌خوبه‌های جنایت و فریب برای سلطه ارتعاشی خود بسود خواهد جست و ریزبونیست‌ها که نوکر سرمایه‌داران می‌باشند جزا گرمی برای جلادان پرولتاریا و انقلاب را دیگری ندارند. رژیم جاکم از آنجا که مدافع و نماینده طبقه سرمایه‌دار است، از آنجا که دشمن طبقه کارگر و زحمتکشان است نمیتواند به اعمال قهر و انقلابی و ترور و سب و روی نیاید. اعداها، ترورها، شکنجه‌ها، دستگیریه‌ها، تعقیب و دشتاها نشان‌دهنده خصومت طبقه خونخوار سرمایه‌دار می‌باشد. جنبشهای با مداران و حزب اللهی‌های تشکراتی ریمان شخص و مسادی که سرمایه‌داران نیست به‌توده‌ها و کمونیست‌ها و انقلابیون می‌باشد. هر انداز ما ز طبقه‌ای

رشد با بدوینا گزیر هر قدر که کمیت سرمایه به‌خاطر افتد، دشمن و جنبه نه‌شیرا انقلاب می‌تازد. اما مبارزه طبقه‌ای علیه غم‌تربا نبه‌ای فسران و متوقف نمی‌شود و به مسیر شکوهند خود ادامه خواهد داد.

در چنین شرایطی کمونیست‌ها می‌باشند با زماندهی متناوب بر فعالیت خود بیایند و با تمام توان و انرژی ابتکار طبقه و توده‌ها را برانگیزانند و آنها را به مبارزه‌ای مشکل‌فرا خوانند. کمونیست‌ها با بدیه طبقه کارگر و توده‌ها نشان دهند که تشدید ترور و خفقان در اینستا با رشد جنبش طبقه‌ای بوده و اینک سیاسی از ما هیت ارتعاشی رژیم جاکم است. کمونیست‌ها با بدشتان دهند که سرکوب و جنبه شکار و تران و کمونیست‌ها و انقلابیون توسط رژیم جاکم و جمهوری اسلامی بیان یک سیاست طبقاتی و برای نابودی این سرکوب با بدیه جاکم و رژیم مدافع آن را نابود کرد. بعلاوه کمونیست‌ها با بدیه طبقه‌ای گوناگون رژیم را بر ملا ساخته و کوشش‌های انقلابی آنرا بمنظور تبدیل توده‌های ناآگاه به سرمایه‌داران حکومتی رسوا نمایند. توده‌هایی که با رژیم بیافتنند و کما که می‌توانم طبقه‌ای خود نیستند، آنها با اقدامی است خواهند که سرکوب فرزندان راستین بود جید دیگری در سر نخواهد داشت. به همین خاطر بر ملا کردن توطئه رژیم و افشا کردن سخنان و انقلابی سران رژیم

و طبقه‌ای رهمی است که بر دوش تمام کمونیست‌ها - ها، انقلابیون و توده‌های آگاه قرار دارد. با بدیه طبقه‌ای انقلابی رژیم را بخود و سرگرداند با بدجا سوسان حزب اللهی‌ها با مداران و ریزبونیست‌ها را در زند توده‌ها افشا ساخت و توده‌ها را نسبت به ما هیت و اهداف کشف آنسان آگاه نمود و با بدیردهان رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی مشت محکمی کوبید و نشان داد که توده‌ها جاسوس نیستند.

شنبه ۲۴ زفغه ۶۰ سر مقاله...

تدارک انقلاب را برپا به کار می‌بهران و به‌بگیرانه سازماندهی و تشکیل دهی طبقه کارگر و توده‌های سیاسی مستقل آن در شرایط حاضر به انحصار رسا شد. تا کتیک ترور و ریزبونیست‌ها و نیروهای سیاسی در این شرایط، بر روند طبقه‌ای مبارزه توده‌ها لطمات جدی وارد می‌شود و از مسیر طبقه‌ای تکامل خود خارج ساخته و به محاسباتی انحرافی سوق می‌دهد. نیروهای انقلابی به‌بگیر نمی‌توانند با چنین تمایل و گرایش انحرافی در صفوف انقلاب به‌مبارزه برخیزند.

ما در شمار آید در باره این موضوع که چه گرایش‌های سیاسی طبقه‌ای می‌توانند در این نقطه تا کتیک ترور - با یکدیگر تلاقی پیدا کنند، سخن خواهیم گفت.

تشدید
سرکوب و ترور و جاسوسی
محکوم به شکست است!

امروز رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی تمام
اظهارات سرکوب خویش را بنحویس باقیه ای
فعال نموده است. با ساداران جناح نگار را افراد
سجی، باندهای سیاه حزب الهی بطور وسیع
مراکز حساس شهر را به اشغال خود درآورده و در
موانع محین به تعقیب و دستگیری و با غصب و
ختم افراد مورد نظر خود می پردازند. این بانده
های سیاه تروریستی در پی آتند تا با عمل
کسترده خود ما رزین را به دام انداخته و
سپروهای کمونیستی و انقلابی را خلع یازند.
در کنار فعال کردن ارگانهای امنیتی و سرکوب
هرسار ارتجاعی رژیم ما کمپسوا استفاده از
اعتقادات مذهبی نموده ای تا آگاه در پی دهند
تا انسان را بنحویس یک شبکه سوسی تبدیل

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست